

دیدگاه‌های

مشورتی

اداره حقوقی

قوه قضائیه

تعلیق اجرای مجازات حبس مرتکبین اختلاس مشمول هیچ یک از مقررات مربوط به تعلیق مندرج در قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد.

پرسش:

در مواردی که حبس مرتکبین اختلاس به لحاظ استرداد وجه یا مال مورد اختلاس قبل از صدور کیفرخواست برابر تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۱۲۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح معلق می‌گردد. آیا ضوابط و مقررات تعلیق اجرای مجازات موضوع مواد ۲۵ الی ۳۶ قانون مجازات اسلامی جهت صدور قرار تعلیق اجرای مجازات و احیاناً الغاء آن در صورت ارتکاب جرم جدید لازم‌الرعايه می‌باشد یا خیر؟ لازم به یادآوری است که بعضی از مراجع الغاء تعلیق اجرای مجازات جرایم مزبور را به لحاظ ماهیت قانونی موضوع مواد قانونی مزبور و امری و الزامی بودن آن موجه نمی‌دانند.

نظریه شماره: ۷/۵۷۲۵ - ۱۳۸۹/۹/۲۰

در ماده ۲۵ مجازات اسلامی برای تعلیق اجرای مجازات شرایطی پیش‌بینی شده است و متهم موضوع تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۱۲۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ممکن است واجد شرایط مذکور نباشند. مع‌الوصف طبق مقررات اخیرالذکر، دادگاه مکلف است اجرای مجازات حبس را معلق نماید و با عنایت به تفسیر مضیق در حقوق جزا به نفع متهم به نظر می‌رسد تعلیق موضوع تبصره فوق و نیز تعلیق موضوع ماده ۱۲۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، خاص بوده و مشمول هیچ یک از مقررات مربوط به تعلیق مندرج در قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد.

شرکت آب و فاضلاب روستایی از مراجع دولتی می‌باشد و دعاوی مربوط قابلیت طرح در شورای حل اختلاف نمی‌باشد.

پرسش:

با عنایت به اینکه نظر دادستان محترم دادرای عمومی و انقلاب شهرستان شازند از توابع استان مرکزی به شرح نامه شماره ۱۱۰ مورخ ۸۹/۳/۲۴ اعلام داشته که رسیدگی به انشعابات غیر مجاز آب شرب در صلاحیت شوراهای حل اختلاف می‌باشد، بدین وسیله به استحضار می‌رساند با توجه به مراتب ذیل نظریه فوق فاقد وجاهت قانونی می‌باشد.

۱- طبق ماده ۱ قانون شورای حل اختلاف مقرر گردیده «به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی شوراهای حل اختلاف... تشکیل می‌گردد» در حالی که شرکتهای آب و فاضلاب روستایی صددرصد دولتی است و صلح و سازش در اموال دولتی خارج از اراده اشخاص است و تابع ضوابط خاص قانونی می‌باشد.

۲- در بند «الف» ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی شورا در جرایم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلاف است در صورتی که مجازات انشعابات غیر مجاز که در ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی تصریح شده فراتر از این جرائم می‌باشد و به نظر مشمول جرائم تعزیری بعمل می‌آید و در فصل بیست و یکم قانون مجازات، جزء جرایم سرقت و ربودن مال غیر محسوب است.

۳- با توجه به بند «دال» ماده ۱۰ قانون شورای حل اختلاف که مقرر داشته است دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی قابل طرح در شورا حتی با توافق طرفین را ندارد و همچنین مجازات مقرر در ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات مالی در نظر گرفته است.

علیهذا با عنایت به مراتب فوق و ایجاد وحدت رویه خواهشمند است دستور فرمایید اعلام نظر نمایند آیا رسیدگی به جرم مذکور در ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی با موضوع سرقت آب در صلاحیت شوراهای محترم حل اختلاف می‌باشد یا خیر؟

نظریه شماره: ۷/۵۶۸۳ - ۱۳۸۹/۹/۲۰

شرکت‌های آب و فاضلاب روستائی در فرض استعمال دولتی می‌باشند و به صراحت بند «د» ماده ۱۰ قانون راجع به شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۸ تیرماه سال ۱۳۸۷ اساساً قابلیت طرح در شورای حل اختلاف حتی با توافق طرفین را ندارند. در مواردی که شرکت‌های آب و فاضلاب غیردولتی باشند نیز با توجه به مشخص نبودن میزان خسارت و به تبع آن جزای نقدی موضوع ماده ۶۶۰ اصلاحی قانون مجازات اسلامی که ممکن است افزون بر نصاب صلاحیت شورای حل اختلاف باشد به نظر می‌رسد شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به آن را اساساً ندارد. رسیدگی به موضوع اتهام در فرض اخیر در صلاحیت دادسرا و محاکم عمومی جزائی است.

در صورت بروز اختلاف در صلاحیت، بین شورای حل اختلاف با مرجع قضایی نظر مرجع قضایی لازم‌الاتباع است.

پرسش:

با عنایت اینکه در ذیل ماده ۱۶ قانون شوراهای حل اختلاف قانونگذار صراحتاً حق اختلاف شورا با مراجع قضایی را پذیرفته است و در ماده ۱۷ از همان قانون نیز این حق را با عبارت (در صورت بروز اختلاف) مفروض انگاشته شده است اعلام فرمایید.

- ۱- در صورت بروز اختلاف بین یک شعبه شورا با یکی از شعب دادگاه‌ها در یک حوزه قضایی، حل اختلاف با چه مرجعی است؟
- ۲- فرض بند یک را در صورت بروز اختلاف بین شورا با یکی از شعب دادسرای یک حوزه قضایی شهرستان را بیان فرمایید.
- ۳- آیا ماده ۱۷ از قانون فوق را می‌توان در مورد شورا و قاضی شورا تفکیک نمود و اعتقاد داشت شورا حق اختلاف با شعب دادگاه یا دادسرا را ندارد ولی قاضی شورا این حق را دارد.

نظریه شماره: ۷/۳۶۷۲ - ۱۳۸۹/۶/۲۴

در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین شورای حل اختلاف با مراجع قضایی (اعم از دادسرا یا دادگاه) طبق ماده ۱۷ قانون شوراهای حل اختلاف نظر مرجع قضایی لازم‌الاتباع است اعم از اینکه موضوع ناشی از نظر شورا یا نظر قاضی شورای حل اختلاف باشد و عبارت «شورا» که در ماده ۱۷ قانون مذکور آمده توجهاً به ماده ۱ همین قانون اختصار عبارت «شورای حل اختلاف» است.

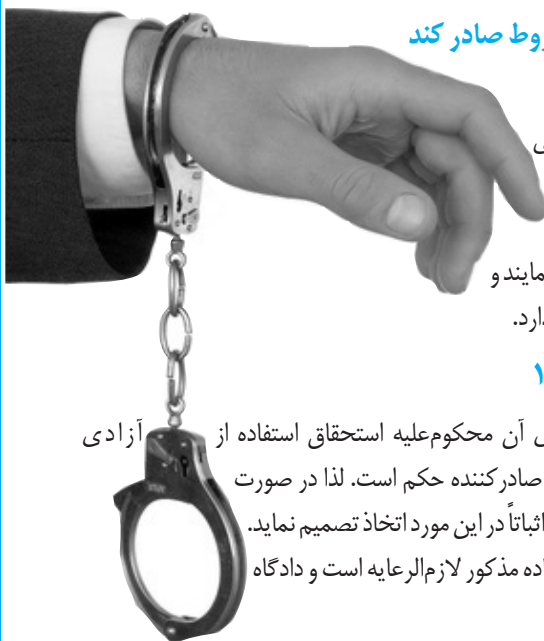
دادگاه نمی‌تواند بدون احراز شرایط قانونی حکم آزادی مشروط صادر کند

پرسش:

احتراماً، با توجه به تبصره ۱ ناظر بر بندهای «۱» و «۲» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی پیرامون آزادی مشروط زندانیان، که احراز شرایط فوق را منوط به تأیید رئیس زندان محل گذران محکومیت و قاضی ناظر بر زندان قرار داده حال سوال این است، آیا اگر تنها رئیس زندان و یا قاضی ناظر بر زندان مراتب را تأیید نماید، کفایت میکند و یا هر دو باید موافقت نمایند و اینکه اگر احد از ایشان موافق و دیگری مراتب مخالفت خود را تصریح کند چه ثمراتی دارد.

نظریه شماره: ۷/۴۰۳۹ - ۱۳۸۹/۷/۶

با توجه به صدر ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، رعایت شرایط اولیه که بر مبنای آن محکوم علیه استحقاق استفاده از آزادی مشروط را پیدا می‌کند و نیز احراز بندهای «۱» و «۲» ذیل این ماده، به عهده دادگاه صادرکننده حکم است. لذا در صورت مخالفت رئیس زندان و یا دادیار ناظر زندان مراتب به دادگاه اعلام میشود تا دادگاه نفیاً یا اثباتاً در این مورد اتخاذ تصمیم نماید. با توجه به تبصره ۱ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی به نظر احراز بندهای «۱» و «۲» ماده مذکور لازم‌الرعایه است و دادگاه نمی‌تواند بدون احراز شرایط قانونی حکم آزادی مشروط صادر کند.





دیدگاه‌های مشورتی اداره حقوقی سازمان قضایی ن. م

۱۸ سال در محل خدمت حاضر نبوده است، وضعیت خدمتی وی در این مدت (پرداخت حقوق و مزایا، ترفیع و...) چگونه خواهد بود؟

عدول از قرار منع تعقیب صرفاً در صورت کشف دلایل جدید در جهت تعقیب کیفری متهم میسر است.

پرسش:

نظریه شماره: ۱۳۸۹/۷/۱۷-۷/۳۴/۳۳۷۱۹

در فرض سؤال چنانچه به لحاظ اشتباه از قرار موقوفی تعقیب عدول و قرار منع پیگرد صادر شده باشد، مستنبط از ماده ۱۸۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۰ عدول از قرار منع پیگرد چنانچه به تأیید دادگاه نرسیده باشد، صرفاً در صورت کشف دلایل جدید و به جهت تعقیب کیفری متهم میسر می‌باشد که احراز آن با قاضی رسیدگی کننده است.

در فرض سؤال وضعیت خدمتی متهم در صورت صدور قرار منع پیگرد با بند «الف» ماده ۱۰۵ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران منطبق است.

جهت اجرای احکام حدود نیازی به تحصیل و صدور جواز اذن از ریاست محترم قوه قضائیه نمی‌باشد.

پرسش:

آیا جهت اجرای مجازات اعدام در جرایم محاربه و ... ضرورتی برای اخذ مجوز از ریاست قوه قضائیه وجود دارد یا خیر؟

نظریه شماره: ۱۳۸۹/۷/۱۸-۷/۳۴/۳۳۸۵۸

آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۸۲/۹/۴ ریاست قوه قضائیه نسبت به دادرها و دادگاه‌های نظامی قابل اجرا نمی‌باشد و دادرها و دادگاه‌های نظامی مشمول آیین نامه نحوه اجرای احکام اعدام، رجم، صلب، قطع یا نقص

در پرونده کلاسه ۳۳۱۵/۸۸/۲۶ دادسرای نظامی ... در خصوص اتهام فرار از خدمت «غ و ع» از سال ۶۸ الی ۸۶/۳/۲ با توجه به عفو مقام معظم رهبری در مورخ ۸۶/۴/۲۴ قرار موقوفی تعقیب صادر شده است. مجدداً دادسرا با توجه به نظریه کمیسیون پزشکی و با معان نظر به نظریه شماره ۷/۳۴/۶۷۹ مورخ ۸۴/۶/۱۳ کمیسیون قضایی و حقوقی به شرح: «چنانچه پس از صدور قرار موقوفی تعقیب به جهت عفو، دلایل و مدارکی توسط متهم مبنی بر داشتن عذر موجه در ایام فرار ارایه شود، دادستان می‌تواند از قرار موقوفی تعقیب عدول نماید تا برابر مقررات نسبت به ماهیت امر اظهار نظر شود.» از قرار موقوفی تعقیب مورخ ۸۶/۴/۲۴ عدول و در خصوص فرار از خدمت متهم از سال ۶۸ الی ۸۶/۳/۲ به لحاظ داشتن عذر موجه قرار منع تعقیب صادر نموده است. یگان متبوع صدور قرار منع تعقیب از سال ۶۸ الی ۷۷ را منطبق با مقررات ندانسته و درخواست نموده که مبنای و موازین حقوقی قرار منع تعقیب در این مدت به یگان اعلام شود.

حال:

اولاً: چنانچه دادسرا در بررسی مجدد پرونده، اعتقاد به ابقای قرار موقوفی تعقیب مورخ ۸۶/۴/۲۴ داشته باشد، آیا می‌تواند مجدداً از قرار منع تعقیب مورخ ۸۸/۱۰/۲۶ عدول و متعاقب آن، قرار موقوفی تعقیب سابق الصدور را ابقا نماید یا خیر؟ در صورت منفی بودن پاسخ، راهکار قانونی نقض قرار منع تعقیب مورخ ۸۸/۱۰/۲۶ چیست؟

ثانیاً: چنانچه دادسرا، اعتراض یگان را موجه و وارد نداند و اعتقاد به ابقای قرار منع تعقیب مورخ ۸۸/۱۰/۲۶ داشته باشد، با عنایت به اینکه متهم حدود

عضو موضوع تبصره ۱ ماده ۲۸ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۷۰/۲/۱۵ ریاست قوه قضائیه می‌باشند که عنایت به بخشنامه شماره ۳۴۵-۱۸۰/۲۲-۱/۸۰-۱۱/۲۳-۱۳۸۰/۱۱ قوه قضائیه جهت اجرای احکام حدود نیازی به تحصیل و صدور جواز اذن نمی‌باشد.

چنانچه مبنای نقض قرار منع تعقیب از سوی دادگاه نظامی عدم صلاحیت باشد، پرونده جهت ارسال به مرجع صالح به دادسرا اعاده می‌گردد

پرسش:

در پرونده‌ای دادگاه نظامی نسبت به قرار منع تعقیب معترض عنه ضمن فسخ قرار، دستور به ارسال پرونده را به مرجع دیگری جهت رسیدگی توأم داده است که اشتباه بوده است، اکنون بفرمایید:

الف: با توجه به مواد ۱۷۱ و ۱۷۲ قانون آیین دادرسی که دادگاه موظف به صدور حکم است آیا تصمیم به ارسال پرونده کافی است؟
ب: در صورت وجوه اشتباه در تصمیم دادگاه وظیفه دادسرا چیست؟

نظریه شماره: ۱۳۸۹/۸/۸-۷/۳۴/۳۷۷۷۷

الف - دادگاه نظامی در مقام رسیدگی به قرار منع پیگرد که توسط شاکی به آن اعتراض شده باشد، باید آن را نقض یا تأیید نماید و چنانچه مبنای نقض قرار منع پیگرد عدم صلاحیت باشد، باید پرونده را به دادسرا اعاده کند تا توسط دادسرا پرونده با قرار عدم صلاحیت به مرجع صالح ارسال شود. ضمناً نظریه مشورتی شماره ۷/۷۷-۱/۱۸-۱۳۸۰/۱۱ اداره حقوقی قوه قضائیه مؤید مراتب مزبور است.

ب - با عنایت به ماده ۱۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ و رأی وحدت رویه شماره ۶۹۰ مورخ ۸۵/۵/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی دادگاه نظامی در رسیدگی به قرار منع پیگرد متهم با رعایت ماده ۱۸۰ قانون مزبور قطعی است.

قرار تشدید تأمین از سوی متهم قابل شکایت است

پرسش:

برابر مفاد بند «۵» ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ (ملاک عمل محاکم و دادرسرای نظامی سراسر کشور) که مقرر می‌دارد... قرارهای بازپرسی در موارد ذیل قابل شکایت است... بند «۵» - قرار تشدید تأمین که با موافقت دادستان صادر می‌شود «به تقاضای متهم»، با توضیح به این که جلب موافقت دادستان تنها در خصوص صدور قرار بازداشت موقت موضوع قسمت صدر ماده ۳۸ ماده فوق اصلاحی سال ۱۳۱۱ ضروری دانسته شده و در خصوص تبدیل و تشدید دیگر قرارهای تأمینی (التزام، کفالت، وثیقه) قانون سکوت اختیار کرده، حال چنانچه قرار

وجه التزام به قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه تبدیل و تشدید گردد، آیا قرار مبدل منه مستلزم جلب موافقت دادستان خواهد بود یا خیر؟ و آیا وفق بند «۵» ماده ۱۷۱ قانون مذکور قابل اعتراض می‌باشد یا خیر؟

نظریه شماره: ۱۳۸۹/۸/۱۰-۷/۳۴/۳۸۳۸۶

با عنایت به اطلاق بند «۵» ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ کلیه قرارهای تشدید تأمین توسط بازپرس یا دادیار با موافقت دادستان صادر میشود و بنابه صراحت صدر ماده یاد شده و ماده ۱۷۲ قانون مزبور قرار تشدید تأمین توسط متهم قابل شکایت می‌باشد.

توافق بعمل آمده بین جانی و اولیاء دم در پرداخت دیه معتبر است.

پرسش:

در سال ۱۳۶۰ شخصی به اتهام قتل غیر عمدی به پرداخت دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاء دم متوفی محکوم می‌شود. در سال ۶۲ با توجه به عدم تمکن محکوم علیه، دادگاه دستور پرداخت دیه مزبور را از بیت‌المال صادر می‌نماید. در سال ۶۷ به دستور دادستان مبلغ دیه به حساب امانی دادگستری واریز میشود. لازم به ذکر است که اولیاء دم متوفی متقاضی قصاص متهم بوده‌اند و درخواست دیه نداشته‌اند و تمامی مراحل فوق یعنی محکومیت به پرداخت دیه و دستور پرداخت دیه از محل بیت‌المال بدون درخواست دیه اولیاء دم متوفی بوده است. در سال ۷۱ به لحاظ اینکه رأی صادر شده برخلاف موازین قانونی بوده است، دادستان از آن درخواست تجدیدنظر می‌نماید و نهایتاً رأی موصوف توسط دیوان عالی کشور نقض و متهم پرونده به موجب رأی شعبه هم‌عرض به پرداخت دیه کامل در حق اولیاء دم محکوم میشود. در این مرحله نیز ابتدا اولیاء دم خواهان قصاص میشوند ولی در نهایت حاضر بر دریافت دیه براساس قیمت روز می‌گردند. حال آیا مبلغی که در سال ۶۷ به دستور دادستان و از محل بیت‌المال به عنوان دیه پرداخت شده است، محکوم علیه را بری‌الذمه می‌نماید یا با توجه به اینکه اولیاء دم در زمان پرداخت سال ۶۷ متقاضی قصاص بوده‌اند و درخواست دیه نداشته‌اند و از طرفی حکم تجدیدنظر خواسته نقض و حکم قطعی جدید صادر شده است، محکوم علیه موظف است دیه را به نرخ روز به اولیاء دم پرداخت نماید؟

نظریه شماره: ۱۳۸۹/۷/۲۵-۷/۳۴/۳۵۵۰۴

چنانچه در پرداخت دیه توافقی بین جانی و اولیاء دم صورت گرفته باشد همان توافق معتبر است و اگر توافقی صورت نگرفته باشد و در حکم دادگاه هم مبلغ ذکر نشده باشد و صرفاً وجهی بابت دیه پرداخت شده باشد چون محکوم به پرداخت دیه، باید عین آن را پرداخت کند در صورت تعذر از تسلیم عین دیه قیمت یوم‌الاداء تأدیه می‌شود. ضمناً نظریه مشورتی شماره ۷/۷۴۵۹ مورخ ۸۸/۱۲/۱ اداره حقوقی قوه قضائیه مؤید مراتب مزبور است.

استفتائات فقهی - قضایی



آیت‌الله العظمی محمدفاضل لنکرانی (ره)

الف) اگر صدمات وارده منتسب به متجاوز باشد، وی ضامن است، و الا کسی ضامن نیست.
ب) خیر فرقی نمی‌کند.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

الف) در صورتی که شخص مهاجم او را اهل داده یا سبب جراحت یا سقوط از بلندی شده، او مسؤول است، ولی اگر خودش برای نجات خود چنین کاری را کرده، دیه یا قصاص بر کسی نیست، هر چند مهاجم تعزیر شدید دارد.
ب) از نظر دیه فرقی نمی‌کند، ولی از نظر تعزیر تفاوت دارد.

آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی

الف) در صورتی که مهاجم سبب صدمه یا قتل مدافع شود، ضامن قتل یا جرح وی می‌باشد.
ب) در صورتی که خوف موجب سلب اختیار طرف شده باشد، فرقی میان این دو صورت نمی‌باشد.

توبه سارق پس از اقرار به سرقت نزد حاکم شرع

در صورتی که سرقت جامع شرایط حد، با اقرار سارق نزد حاکم ثابت شود، آنگاه سارق توبه نماید، آیا عفو وی توسط ولی امر جایز است؟

آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت (ره)

اگر بعد از دو دفعه اقرار نزد حاکم توبه کرد، احوط برای غیر امام اصل ترک اقامه حد است

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی

بعد از رفع امر به حاکم شرعی و ثبوت سرقت، با توبه، حد ساقط نمی‌شود.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

آری جایز است.

صدمات و خسارات وارده به شخص در مقام دفاع

در مورد صدمات وارده به شخص در مقام دفاع بفرمایید:

الف) چنانچه شخصی در مقام دفاع از خود مجبور به عملی منجر به که صدمه بدنی به وی شود یا موجب مرگ وی گردد، مسؤولیت مرگ مدافع یا صدمات وارده به عهده چه کسی است؟ به عنوان مثال برای فرار از تجاوز جنسی، خود را به شیشه‌ای بزند و مجروح شود یا در اثر پریدن از بلندی پای او بشکند، یا فوت نماید.

ب) در فرض فوق آیا بین صورتی که راه فرار منحصر در همین مورد خاص بوده و موردی که راه دیگری برای فرار وجود داشته، ولی شخص مورد هجوم در اثر ترس یا عجله از این طریق اقدام نموده، از نظر حکم تفاوتی وجود دارد؟

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۰۰۵-۱۸/۸/۱۳۷۸ اداره

حقوقی قوه قضاییه

عطف به استعلام شماره ۷۸/۵/۱۴-۱۱۰۴ نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شرح ذیل می‌باشد:

موضوع استعلام شده فاقد اوصاف کیفری است؛ زیرا هیچ گونه عمل فیزیکی مجرمانه توسط مهاجم انجام نگرفته است.

متن استعلام

در خصوص صدمات وارده به شخصی که مورد هجوم واقع شده است، بفرمایید:

اگر شخصی مورد تهاجم، در مقام دفاع، باعث ورود صدمه به خویش گردد، دیه یا ارش صدمات وارده بر عهده چه کسی است؟ به عنوان مثال برای فرار از لواط، خود را به شیشه‌ای می‌زند و در اثر آن جراحتی بر وی وارد می‌شود، یا به منظور فرار از مهاجمین و ضاربین، خود را از بالای بام پایین می‌اندازد و در اثر آن جایی از بدن وی شکسته یا آسیب می‌بیند.

آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت (ره)

الف) اگر منظور قصاص یا دیه است، بر عهده کسی نیست.
ب) با فرضی که در مسأله قبل گفته شد، فرقی نمی‌کند.

آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای

الف) به عهده کسی نیست، و چنانچه به وظیفه عمل کرده، مأجور است.
ب) در هر صورت اگر با اراده و اختیار خود اقدام کرده، کسی ضامن نیست. بلی عامل به وظیفه مأجور است.

آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی

به عهده خود اوست.

آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

در مفروض سؤال که سرقت با اقرار ثابت شده، نه با بیینه، عفو وی در مورد حد توسط حاکم شرع جایز است، ولی مال مسروقه باید به صاحب آن بازگردانده شود.

آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی

آری، عفو وی توسط ولی امر جایز است.

تعزیر قاتل پس از گذشت اولیای دم در قتل عمد

قتل نفس از نظر اسلام جنبه خصوصی دارد یا عمومی و در صورت عفو اولیای دم، آیا حاکم شرع می‌تواند تعزیراتی را در نظر بگیرد؟

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی

اگر اولیای دم عفو کنند تعزیر جایز نیست.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

قتل نفس در اسلام جنبه خصوصی دارد و با گذشت اولیای دم، قصاص منتفی می‌شود، مگر این که تکرار آن اثر خاصی در جامعه بگذارد و نظم و امنیت را مختل سازد. در این صورت مسأله جنبه عمومی پیدا می‌کند و پای عناوین ثانویه به میان می‌آید و نه تنها در مورد سؤال، بلکه در موارد مشابه که در شهرها و روستاها اتفاق می‌افتد، حاکم شرع می‌تواند به عنوان مقدمه حفظ نظم از تعزیرات بازدارنده مناسبی بهره بگیرد. این مسأله را به موارد دیگری که در شرع، جنبه شخصی دارد نیز می‌توان تسری داد و هر گاه مشکل جنبه عمومی پیدا کند، از تعزیرات استفاده نمود. البته تشخیص موضوع بر عهده خود حاکم شرع است و گاه احتیاج به نظر خواهی از اهل خبره در این گونه موضوعات دارد.

امتناع از پرداخت فاضل دیه و جواز تبدیل قصاص به دیه

در موارد لزوم پرداخت فاضل دیه، چنانچه اولیای دم خواهان قصاص باشند و با وجود تمکن مالی، از پرداخت فاضل دیه خودداری کنند و باعث تأخیر اجرای حکم قصاص شوند، بفرمایید:

(الف) آیا حاکم شرع می‌تواند ولی دم را به پرداخت فاضل دیه اجبار کند؟

(ب) در این فرض تبدیل قصاص به دیه چه حکمی دارد؟

(ج) اگر تبدیل قصاص به دیه جایز باشد، آیا رضایت یا عدم رضایت جانی در این امر تأثیری دارد؟

نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه بر اساس استعلام شماره

۱۳۷۶/۳/۲۶-م/۶۳۸

۱- طبق ماده ۲۱۳ قانون مجازات اسلامی، چنانچه مادر مقتوله ضمن تقاضای قصاص، از رد نصف دیه به قاتل و پرداخت سهم نوه خود اظهار عجز نماید، تا زمان پرداخت آنها، اجرای حکم معوق خواهد بود و قصاص تبدیل به دیه نمی‌گردد و محکوم علیه کماکان تا زمان تحقق شرایط اجرای حکم در زندان خواهد ماند. پرداخت فاضل دیه از بیت‌المال و جاهت قانونی ندارد.

۲- فاضل دیه که به قاتل پرداخت می‌شود، حق اوست و تا زمانی که حکم اجرا نشده است، جزء ماترک او محسوب نمی‌گردد و می‌تواند از این حق گذشت نماید.

۳- حکم این مورد از آنچه در بند یک ذکر شد، معلوم می‌گردد.

۴- اگر صغیره به سن هجده سال تمام برسد یا رشد او در محکمه ثابت شود، می‌تواند از حق خود گذشت نماید و اگر مادر مقتوله مصر به اجرای حکم قصاص باشد، طبق ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی مادر مقتوله باید سهم صغیره را به قاتل بدهد، مگر آن که قاتل از اخذ آن صرف‌نظر و گذشت نماید. در این صورت حکم قصاص قابل اجرا خواهد بود.

متن استعلام

شخصی اقرار و اعتراف به قتل عمدی همسرش نموده است. ولی دم، مادر مقتوله و یک فرزند دختر هفت ساله از همان شوهر است. نظر به این که تقاضای جزای قصاص نفس از ناحیه مادر مشروط به رد نصف دیه یک مرد مسلمان به قاتل و تأمین و تضمین سهم صغیره می‌باشد، اگر مادر مقتوله ضمن تقاضای قصاص اظهار عجز از رد نصف دیه به قاتل و نیز سهم صغیره نماید، آیا قصاص قهراً به دیه تبدیل می‌شود یا باید رد و تأمین دیه از طریق بیت‌المال شود و قصاص اجرا گردد؟ و یا حق قصاص تا زمان ایسار ولی دم باقی است و قاتل می‌تواند رها شود؟ و اگر قاتل اظهار نماید من از حق خودم نسبت به نصف دیه گذشت می‌نمایم و قصاص اجرا شود، آیا حق گذشت دارد یا چون دیه در آتیه جزء ماترک محسوب می‌گردد، حق گذشت ندارد؟ در همین فرض اگر قاتل نسبت به سهم خودش اعلام گذشت کند، در صورت عجز ولی دم از تأمین سهم صغیره تکلیف چیست؟ و اگر صغیره به سن کبر برسد و نسبت به حق خود از پدر اعلام گذشت نماید، لیکن مادر مقتوله همچنان مصر به اجرای قصاص باشد، حکم چیست؟

آیت‌الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)

(الف) حق ندارد و ثبوت حق قصاص موقوف به رد فاضل دیه است.

(ب) تبدیل به دیه موقوف به رضایت طرفین است.

(ج) بلی، باید با رضایت جانی و ولی دم باشد.

آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای

(الف) حق ندارد و بدون پرداخت فاضل دیه حق قصاص ندارند.

(ب) در این فرض نمی‌توانند قصاص کنند و ثبوت دیه موقوف به رضایت طرفین است.

(ج) بلی، جانی هم باید نسبت به دیه راضی باشد.

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی

(الف) در فرض سؤال، اولیای دم در صورت عدم پرداخت فاضل دیه نمی‌توانند قصاص کنند و حاکم شرع نمی‌تواند ولی دم را مجبور به پرداخت فاضل دیه بنماید.

(ب و ج) با عدم توافق اولیای دم و جانی قصاص مبدل به دیه نمی‌شود.

آیت‌الله العظمی محمدفاضل لنکرانی (ره)

خیر، بلکه قاتل با کفیل مطمئن آزاد می‌شود تا اولیای دم تصمیم نهایی خود



را بگیرند. یعنی یا به دیه راضی شوند و یا فاضل دیه را پرداخت نمایند و در فرضی که قتل عمد باشد، تبدیل به دیه منوط به رضایت جانی و اولیای مقتول می‌باشد.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

الف) حاکم شرع نمی‌تواند ولی دم را به پرداخت فاضل دیه اجبار کند، ولی می‌تواند جانی را با گرفتن وثیقه کافی موقتاً آزاد کند.

ب) در صورتی که ولی دم در پرداخت فاضل دیه به خاطر عذر تعلل کند، حاکم شرع می‌تواند حکم به پرداخت دیه نماید.

ج) در صورتی که ولی دم به هیچ وجه قدرت بر پرداخت فاضل دیه ندارد، تبدیل شدن قصاص به دیه مشروط به رضایت جانی نیست.

آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

الف) نمی‌تواند اجبار کند و تا پرداخت فاضل دیه حکم متوقف می‌شود. ب) تبدیل نمی‌شود.

ج) رضایت جانی در تبدیل قصاص به دیه شرط است.

آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی

الف) در مورد وجود فاضل دیه، قصاص کردن منوط به پرداخت فاضل دیه است.

ب و ج) تبدیل قصاص به دیه منوط به رضایت جانی است.

زمان محاسبه قیمت دیه

در مواردی نظیر قتل خطای محض که بنا بر قول مشهور دیه ظرف سه سال و هر سال ثلث آن باید پرداخت شود، با عنایت به این که بر اساس فتوای تعداد زیادی از فقهای عظام، ملاک محاسبه قیمت یوم‌الاداء می‌باشد، بفرمایید: در محاسبه ثلث در صورت تعذر از اعیان شش‌گانه چگونه باید عمل کرد؟ آیا از ابتدا قیمت کل دیه بر اساس نرخ روز محاسبه می‌شود و جانی در هر سال ملزم به پرداخت ثلث همان قیمت است یا این که در پرداخت هر ثلث، قیمت یوم‌الادای همان ثلث ملاک است. یعنی در هر سال باید با توجه به قیمت سوقیه همان سال، ثلث دیه را محاسبه و پرداخت نماید؟

نظر به مشورتی شماره ۷/۴۶۳۷-۱۳۷۷/۸/۵ اداره حقوقی قوه قضاییه

بازگشت به استعلام شماره ۲/۲۵۵۱-۱۳۷۷/۶/۱۰ نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر اعلام می‌گردد: با صراحت تبصره ذیل ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی، رجوع به قیمت فقط در دو صورت تجویز شده است: اول در صورت تراضی طرفین؛ دوم در صورت تعذر همه انواع دیات، در حال حاضر چون تمام انواع دیات متعذر الحصول نیست و تهیه شتر و گاو و گوسفند ممکن و سهل است، نوع دوم منتفی است و در نوع اول وقتی تراضی حاصل شد، آنچه مورد توافق قرار گرفته است، پرداخت می‌شود؛ چه کم و چه زیاد و دادگاه در صدور حکم باید این امور را رعایت نماید.

متن استعلام

در حال حاضر قیمت ریالی دیه (انعام ثلاثه) در ابتدای هر سال توسط هیأت کارشناسان تعیین و جهت اجرا به محاکم ابلاغ می‌گردد، چنانچه جانی ملزم

به پرداخت قیمت زمان صدور حکم باشد، بفرمایید:

الف) با توجه به این که قیمت ریالی دیه در هر سال با سال بعد تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد و از طرفی به دلیل تراکم کار در قوه قضاییه ممکن است از زمان وقوع جنایت تا صدور حکم مدت زیادی طول بکشد، آیا جانی در مورد پرداخت تفاوت قیمت ناشی از طولانی شدن مدت رسیدگی مسؤولیتی دارد؟

ب) علاوه بر این، در مواردی که بر اثر اشتباه قاضی در نتیجه طولانی شدن محاکمه به خاطر تجدیدنظر در حکم صادره، جانی ملزم به پرداخت چنین تفاوتی باشد، تکلیف چیست؟

آیت‌الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)

اخیر است، مگر خود مصالحه بر غیر آن کنند.

آیت‌الله العظمی میرزا جواد تبریزی (ره)

میزان در اداء قیمت دیه، همان قیمتی است که بر آن مصالحه کرده‌اند.

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی

هر یک را قاتل اختیار کند، قیمت یوم‌الادای آن را باید بپردازد.

آیت‌الله العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره)

خیر، در فرض مزبور، قیمت آن در زمان پرداخت محاسبه می‌شود، نه در سال اول.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

در هر سال باید ثلث دیه را به قیمت روز محاسبه و ادا کند، مگر این که در ابتدا مصالحه‌ای روی قیمت بین طرفین صورت گرفته باشد.

آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

به نظر اینجانب دیه باید طبق پول روز حساب شود.

وکیل الرعایا



قاتلانی که اعدام نمی‌شوند

خانم زینب - ش (از کرمانشاه)

چند وقت پیش، یکی از اراذل و اوباش محل در دعوی بی‌خود و بی‌جهت که با یکی از پیرمردهای محله‌مان ترتیب داد، او را کشت و بلوایی در شهرمان راه افتاد. اما حالا که همه منتظر اعدام او هستند، شنیدیم که او را فقط به چند سال زندان محکوم کردند! مگر می‌شود کسی را عمداً بکشی ولی اعدام نشی؟!

وکیل الرعایا:

این که قتل آن پیرمرد از روی «عمد» بوده یا این که در دعوا به طور اتفاقی کسی کشته شده، موضوع مهمی است که فقط با مطالعه پرونده و آگاهی از اصل ماجرا، می‌توان قضاوت کرد. اما بد نیست بدانید که «قتل عمد» هم در بعضی از موارد، ممکن است مستوجب قصاص نباشد؛ مثلاً زمانی که کسی مرتکب قتل می‌شود، اما شاکی ندارد یا شاکی دارد ولی از قصاص گذشت کرده است، در این گونه موارد، در صورتی که اقدام ضارب یا قاتل، موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه شود و یا این که بیم و هراس بوجود آید که چنین قتلی، قبح و زشتی خود را از دست داده و برای دیگران نیز عادی شود، دادگاه بر اساس ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌کند و اگر معاونی در قتل وجود داشته باشد، او نیز به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

با قاتلان عمدی!

آقای ش - رضوی (از یاسوج)

اولاً: قتل در چه صورت «عمد» محسوب می‌شود و ثانیاً: اگر عمدی بودن عمل ثابت شود، آیا تحت هر شرایط قاتل اعدام می‌شود؟

وکیل الرعایا:

قتل فقط در سه حالت «عمدی» محسوب می‌شود:

۱- مواردی که قاتل با انجام

کاری قصد کشتن شخصی

معین یا فردی یا افرادی غیرمعین

از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد، خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.

۲- مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که

نوعاً کشنده باشد، هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

۳- مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری

را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست، ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری، پیری، ناتوانی،

کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد؛ مثلاً فرض کنید کسی که از

باردار بودن یک زن (با یک جنین ۸ ماهه) اطلاع دارد، با یک لگد محکم به شکم او، باعث مرگ

جنین شود؛ مسلماً قصد یا عدم قصد کشتن در اینجا تأثیری ندارد چون او از باردار بودن این

زن مطلع بوده و می‌دانسته که آن یک ضربه، اگر به فردی عادی وارد آید، عواقب خطرناک

ندارد، نه یک زن باردار با یک جنین ۸ ماهه که به دلیل دمیده شدن روح در آن، یک انسان کامل

محسوب می‌شود!

اما در مورد بخش دوم پرسش شما باید بگوییم،

گاهی عمدی بودن قتل ثابت می‌شود اما این

طور نیست که قاتل عمدی تحت هر شرایطی

قصاص شود. کسی که با وجود ارتکاب قتل عمد،

قصاص نمی‌شود یا شاکی ندارد یا شاکی دارد

ولی از قصاص گذشت کرده است. البته این دسته

از محکومان، در چنین شرایطی فقط از قصاص

معاف می‌شوند، اما به دلیل اخلال در نظم جامعه

و ایجاد ترس و مسائلی از این دست، به حبس از

۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌شوند.

مجازات یک قاتل مست

آقای ص - رئوفی (از تهران)

کسی که مست است و در حالت مستی، شخصی را بکشد، مجازاتش چیست؟ آیا به دلیل عدم

هوشیاری، در مجازاتش تخفیف داده می‌شود؟

وکیل الرعایا:

مست بودن قاتل، تأثیری در حکم قصاص او

ندارد مگر این که ثابت شود در اثر مستی بکلی

مسلوب‌الاختیار بوده و قبلاً برای چنین عملی

خود را مست نکرده باشد. با این حال، در صورتی

که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا

وحشت دیگران شود، بر اساس ماده ۲۴۴ قانون

مجازات اسلامی، مرتکب به حبس تعزیری از ۳

تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.

البته بد نیست بدانید که چنین فردی، در هر دو

صورت؛ یعنی چه محکوم به قصاص شود و چه

به دلیل مسلوب‌الاراده بودن قصد از او، فقط به

حبس محکوم شود، مجازات ۸۰ ضربه تازیانه او

به اتهام شرب خمر در جای خود محفوظ است.

مجازات رانندگی بدون گواهینامه

آقای ا - ب (از مریوان)

آیا صحت دارد که می‌گویند، کسی که گواهینامه

رانندگی ندارد، اگر در حین رانندگی کسی را

بکشد، مرتکب قتل عمد شده و اعدام می‌شود؟

وکیل الرعایا:

رانندگی بدون پروانه (گواهینامه) تحت هر

شرایطی موجب تشدید مجازات خواهد شد، اما

این که قتل در چنین وضعیتی، «عمد» تلقی شده

و مرتکب، مستحق اعدام باشد، موضوعی است

که هرگز محمل قانونی ندارد؛ چرا که قتل در

اثر سوانح رانندگی در هر صورت «غیر عمدی»

تلقی شده و خود به خود مشمول دیه و مجازات

حبس و البته مجازات‌های تکمیلی دیگر (به غیر

از اعدام) است.

شدید شدن مجازات در این گونه موارد را می توان از مفاد ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی دریافت که با وجود قائل شدن قاضی میان مجازات از ۶ ماه تا ۳ سال حبس در تصادفات منتهی به قتل، در این گونه موارد (رانندگی بدون گواهینامه ای که منجر به قتل می شود) قاضی را موظف کرده است تا به مجازات مرتکب به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مزبور رأی دهد.

وقتی آبرو تهدید می شود

آقای افشین - د (از تهران)

اگر فردی، دیگری را تهدید به مسائل حیثیتی کند، آیا مجازات می شود؟

وکیل الرعایا:

البته هر عملی که قانوناً جرم باشد، قابل مجازات نیز خواهد بود، اما تایید می فرمایید که مجازات یک عمل مجرمانه که جنبه عمومی ندارد به خودی خود صورت نمی گیرد بلکه پس از شکایت شاکی خصوصی و اثبات اتهام وارده در دادگاه می توان به مجازات فرد خلافکار یا مجرم امیدوار بود. تهدید به مسائل حیثیتی نیز مانند تهدید به قتل یا ضررهای نفسی، شرفی، مالی یا افشای سری نسبت به یک فرد یا بستگان او، مطابق با ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، مشمول مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از ۲ ماه تا ۲ سال خواهد شد.

البته مسائل حیثیتی از زیرمجموعه ضررهای نفسی یا شرفی به حساب می آید و تفاوتی هم نمی کند که فرد تهدیدکننده به این وسیله تقاضای پول یا مالی کند یا نه.

متهمی یا مظنون؟

آقای (از تهران)

چندی پیش، به عنوان مظنون به سرقت تحت تعقیب قرار گرفتم اما بعد ثابت شد که بی گناهم، آیا می توانم ادعای حیثیت بکنم؟

وکیل الرعایا:

شما به عنوان «مظنون تحت تعقیب مراجع انتظامی قرار گرفتید یا به عنوان «متهم» دادگاهی شدید؟

نه! دادگاهی در کار نبود. فقط به عنوان

مظنون بازجویی شدم.

وکیل الرعایا: در این صورت، فقط در صورتی که در شیوه دستگیری و بازجویی شما، تخلفی صورت گرفته باشد (با توجه به اینکه در همان ابتدای امر، بی گناهی تان ثابت شد) می توانید تقاضای اعاده حیثیت داده و جبران خسارات معنوی را مطالبه کنید، وگرنه به صرف ظنن شدن ماموران انتظامی و چند سوال ساده، نمی توانید شکایت کرده و حقی را مطالبه کنید، اما اگر به عنوان متهم و با شکایت شاکی خصوصی کارتان به دادگاه کشیده می شد و تبرئه می شدید، در هر حال، حق ادعاه حیثیت داشتید.

آقای محمدحسین (از کاشمر)

فرد زندانی در چه صورتی به طور مشروط آزاد می شود؟

وکیل الرعایا:

هر کسی برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد در جرایمی که کیفر قانونی آنها بیش از سه سال حبس است و دو سوم مجازات را گذرانده باشد و در جرایمی که مجازاتش تا سه سال حبس است و نصف مجازات را گذرانده باشد، دادگاه صادر کننده رای می تواند در صورت وجود هر کدام از سه شرط زیر، حکم آزادی مشروط را صادر کند:

- ۱- هر گاه شخص محکوم در مدت اجرای مجازات، مستمرا حسن اخلاق نشان داده باشد.
- ۲- هر گاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد.
- ۳- هر گاه تا آنجا که توان مالی دارد، بتواند ضرر و زبانی که وارد کرده، بپردازد و یا قرار پرداخت آن را بگذارد و یا با موافقت دادستان، تربیتی برای پرداخت داده شده باشد.

مالک باشی و نباشی زندانی می شوی!

آقای صابری (از تهران)

یکی از دوستان ما به خاطر باز کردن پلمب قضایی مغازه اش گرفته اند. فکر می کنید با توجه به اینکه او مالک مغازه هم است، با او چه می کنند؟

وکیل الرعایا:

مالک بودن یا نبودن ایشان در مجازات باز کردن پلمب قضایی، تاثیری ندارد. این تخلف از سوی هر کسی سر بزند، صرف نظر از موضوع مالکیت به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

زندان کمتر از سه ماه نداریم!

آقای احسان - الف (از کرمانشاه)

اخیرا در ارتباط با پرونده ای که به نظر می رسید باید آن را تمام شده و مختومه فرض کرد، حکمی به من ابلاغ شد که طی آن به دو ماه زندان محکوم شدم و اتفاقاً حکم هم، قطعی است. آیا نمی توان کاری کرد تا به زندان نروم؟ اگر بخواهم تجدیدنظر بکنم، باید چه کنم؟

وکیل الرعایا:

توضیح نداده اید که موضوع حکم و اساسا پرونده شما در چه موردی بود اما در هر حال باید گفت، حکم صادره نمی تواند درست و قابل دفاع باشد. زیرا موضوع تبدیل حبس به جزای نقدی در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و تصویب شده و طی تبصره ۱۷ برنامه پنج ساله اول، سال هاست که به مرحله اجرا درآمده است. بعدها به استناد همین تبصره قانونی، در قانون «وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین» (مصوب سال ۷۳) که در سال ۸۰ به نام «تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» اصلاح شد، تاکید شده است که مجازات های حبس کمتر از سه ماه و یک روز، به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، باید به جزای نقدی تبدیل شود. این قانونی است که قاضی باید قبل از صدور حکم به آن توجه کرده و براساس آن رای می داد. یعنی بدون درخواست شما، خود به خود به استناد همان «قانون وصول» حبس دو ماهه شما را به جزای نقدی تبدیل می کرد. حال که این کار را نکرد و رای به صورت قطعی صادر شده، شما می توانید اعتراض خودتان را در هیات تشخیص مستقر در دیوان عالی کشور، مطرح کرده و اجرای آن قوانین را درخواست کنید.

آشنایی با حقوق شهروندی

فروش اموال توقیف شده

اشاره:

پس از توقیف مال محکوم علیه و ارزیابی آن، نوبت به فروش اموال توقیفی و مقررات و احکام مخصوص آن می‌باشد که در این قسمت به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱- فروش اموال منقول

برای فروش اموال منقول اصل بر آن است که با توافق محکوم له و محکوم علیه محل و زمان فروش تعیین می‌شود. اصولاً فروش اموال باید از طریق مزایده باشد و برای انجام مزایده مدیر اجرا باید مکانی را برای این امر در نظر بگیرد که با حقوق محکوم علیه و منافع او نزدیکی داشته باشد. البته اگر از طرف دولت یا شهرداری مکانی برای انجام مزایده در نظر گرفته شده باشد مأمور اجرا عمل مزایده را باید در همان مکان انجام دهد. زمان

فروش را مدیر اجرا معین و آگهی می‌کند در تعیین زمان فروش باید طوری برنامه‌ریزی کرد که فاصله بین انتشار آگهی و روز فروش بیش از یک ماه و کمتر از ده روز نباشد. پس از جری تشریفات مربوط به آگهی فروش عمل فروش با حضور مأمور اجرا و نماینده دادسرا به عمل می‌آید و صورت مجلس فروش به امضای آنها خواهد رسید.

پرسش: آیا برای خرید اموال توقیف شده محدودیتی برای اشخاص وجود دارد؟

پاسخ: هر شخصی می‌تواند در این خرید شرکت کند حتی محکوم له ولی مأمور اجرا، ارزیاب و اشخاصی که مباشر امر فروش هستند و نیز بستگان این اشخاص نمی‌توانند در خرید شرکت نمایند البته باید توجه داشت که صاحب مال هم می‌تواند درخواست کند که بعضی از اموال او را زودتر یا دیرتر بفروشند و یا اینکه خود او بالاترین قیمت پیشنهادی را نقداً پرداخت و از فروش آن جلوگیری کند.



رسمی است که تاریخ آنها مقدم بر تاریخ توقیف است در این حالت از توقیف رفع اثر می‌شود.

دوم آنکه ادعای شخص ثالث مستند به سند رسمی یا حکم قطعی نیست و یا اگر هست تاریخ آن بعد از تاریخ توقیف می‌باشد که در این صورت عملیات اجرایی ادامه پیدا می‌کند ولی مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود می‌تواند به دادگاه شکایت کند.

سؤال: چنانچه در عملیات فروش از طریق مزایده هیچ کس حاضر به خرید اموال نشود تکلیف این اموال چه خواهد شد؟

پاسخ: در این حالت محکوم له می‌تواند مال دیگری را از محکوم علیه معرفی کند و همانند تریباتی که قبلاً از آن صحبت کردیم تقاضای توقیف و مزایده آن را بنماید. همچنین حق دارد معادل طلب خود از اموال مزبور به قیمتی که ارزیابی شده قبول کند و یا اینکه تقاضای تجدید مزایده را بنماید. در حالت اخیر مال مورد مزایده به هر میزانی که خریدار پیدا کند به فروش خواهد رفت و چنانچه برای مرتبه دوم هم خریداری پیدا نشود و محکوم له نیز مال مورد مزایده را به قیمتی که ارزیابی شده قبول ننماید آن مال به محکوم علیه باز گردانده می‌شود.

چند نکته در مورد فروش اموال

- * در صورت فروش مال توقیف شده تسلیم مال فقط بعد از پرداخت تمام بهای آن صورت خواهد گرفت.
- * اگر با فروش قسمتی از اموال محکوم به هزینه‌های اجرایی جبران شود بقیه اموال محکوم علیه فروخته نخواهد شد و به او باز گردانده می‌شود.
- * مستثنیات دین در اینجا نیز حاکم است.

۲- فروش اموال غیر منقول

کلیه مقرراتی که بر نحوه فروش اموال منقول حاکم است در خصوص فروش اموال غیر منقول نیز مصداق دارد اما در مورد فروش اموال غیر منقول باید به نکات زیر توجه کرد.

- * هرگاه ملک توقیف شده مشاء باشد فقط سهم محکوم علیه به فروش می‌رسد مگر اینکه سایر شرکا فروش تمام ملک را بخواهند.
- * دادگاهی که اجرا توسط آن صورت می‌گیرد با مسلم شدن صحت جریان مزایده برای او دستور صدور سند انتقال را به نام خریدار می‌دهد و این دستور قطعی است.
- * در مواردی که ملک خریدار نداشته باشد محکوم له می‌تواند آن را در مقابل طلب خود قبول نماید البته در این حالت مالک می‌تواند ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده نسبت به پرداخت کلیه بدهیها و هزینه‌های اجرایی اقدام کند و مانع انتقال ملک به محکوم له شود.
- * چنانچه مالک پس از انجام مزایده حاضر به انتقال سند به نام خریدار نشود نماینده دادگاه سند انتقال را در دفترخانه اسناد رسمی به نام خریدار امضا می‌کند.

پرسش: چنانچه شخص ثالثی نسبت به مال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده مدعی حقی شود چه تصمیمی اتخاذ خواهد شد؟

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال باید چند حالت را در نظر گرفت: اول آنکه ادعای شخص ثالث مستند به حکم قطعی مراجع قضایی یا سند

چنانچه شخص ثالثی نسبت
به مال منقول یا غیر منقول یا
وجه نقد توقیف شده مدعی
حقی شود چه تصمیمی اتخاذ
خواهد شد؟

پرسش: در فرض دوم مذکور در بالا این شکایت به کدام دادگاه تقدیم می‌شود و چه مراحل را طی می‌کند؟

پاسخ: شکایت شخص ثالث به دادگاهی تقدیم می‌شود که اجرای حکم را برعهده دارد و این شکایت در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می‌شود. مفاد شکایت بدواً به طرفین اعلام می‌شود و دادگاه به دلایل شخص ثالث و طرفین دعوا به هر نحو و در هر محل که لازم بداند رسیدگی می‌کند و چنانچه دلایل شکایت شخص ثالث قوی باشد **قرار توقیف** عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر می‌کند در صورت صدور قرار توقیف عملیات اجرایی اگر مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه می‌تواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل ما را به معترض بدهد. چنانچه شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده مطرح شود باز به همان ترتیب عمل خواهد شد در صورت اعتراض شخص ثالث نسبت به مال توقیف شده محکوم له می‌تواند مال دیگری را از اموال محکوم علیه به جای مال مورد احتراز معرفی نماید در این صورت آن مال توقیف و از مال مورد اعتراض رفع توقیف خواهد شد و از طرفی رسیدگی به شکایت شخص ثالث نیز موقوف می‌شود.

از سایر دشمنان به او نزدیک‌تر است. لذا بزرگان فرموده‌اند: سزاوار است قاضی هوای نفس خود را سرکوب نماید. امیرالمومنین (ع) به رفاعه قاضی خود در اهواز نوشتند: از آز و طمع دوری کن و با خواسته‌های نفسانی خود مخالفت نما.

۴- عدم حرص بر قضا

تصدی منصب فضا که نوعی عبادت و انجام تکلیف الهی است نباید با هیچ شائبه‌ای مقرون و همراه باشد به تعبیر دیگر، بول این منصب به عنوان تکلیف الهی و انجام رسالت دینی و رفع مشکل از جامعه اسلامی و خدمت به نظام دینی، بهترین گزیه در تصدی این منصب است. ولی اگر کسی به انگیزه‌های غیر الهی و به منظور دست‌یابی به مطامع دنیوی یا قدرت یا شهرت به دنبال منصب قضا باشد جز خواری دنیا و آخرت چیزی نصیب او نخواهد شد. چنان که در روایتی از ذات مقدس رسول گرامی اسلام رسیده است: «من ابتغی القضاء و سال فیہ الشفعا و کل الی نفسه و من اکراه علیه انزل الله علیه ملکا یسدده؛ کسی که به دنبال قضاوت باشد برای دست‌یابی به آن واسطه تراشی کند خدا او را با خودش واگذار خواهد کرد ولی کسی که بر قضاوت اجبار شود (و از باب تکلیف آن را پذیرد) خداوند فرشته‌ای را خواهد گماشت تا او را در مسیر حق نگهدارد. و فقها نیز فرموده‌اند: سزاوار است که قضای بر قضاوت حریض نباشد.

۵- تواضع و فروتنی

فروتنی و نداشتن، روحیه استکباری در همه حالات ممدوح و قابل ستایش است به‌ویژه برای افرادی که دارای مناصب اجتماعی هستند که گفته‌اند: «تواضع زگردن فروزان نکوست، فقها نیز فرموده‌اند: مکروه است برای قاضی قیافه گرفتن به طوری که متخاصمین به وحشت افتاده و از گفتن مسائل خود بازمانند. مکروه است برای قاضی انقباض به گونه‌ای که خصوم از گفتن مطالب خود بازمانند. قاضی باید از نظر اخلاق در نهایت خوبی باشد و به گونه‌ای نباشد که اخلاق

تردیدی نیست که یکی از اسباب تشخیص، قدرت، بینایی است؛ چنان که

شیخ طوسی فرموده است: «... لانه یحتاج ان یرف المقر من المنکر و المدعی من المدعی علیه ...» البته بر اساس استدلال فوق اگر زمانی با وسایل و اسباب دیگری نتیجه تشخیص حاصل شود، می‌توان شرط بینایی را از شرایط قاضی حذف کرد چنانکه حضرت امام با تعبیر «... و ان کان عدمه لایخلو من وجه.» در مقام تردید نسبت به اصل شرط برآمده‌اند. از همین بیان، جایگاه اشتراط شرایطی چون قدرت بر گویایی، شنوایی و کتابت به عنوان وسایل و اسباب کشف حقیقت و امکان قضاوت، معلوم می‌شود.

ب- صفات قاضی

۱- ورع و تقوا

سزاوار است قاضی دارای ورع و نسبت به محارم الهی زاهد و نسبت به مسائل دنیوی بی‌رغبت و حریص به تقوا باشد.

۲- شوق به اعمال صالح

سزاوار است قاضی نسبت به اعمال صالح شوق داشته باشد و از کبایر اجتناب نماید.

۳- سرکوبی هوای نفس

با توجه به جایگاه منصب قضا و احتمال غلبه خواسته‌های نفسانی و امیال شیطانی قاضی نباید از شیطان درون غافل بماند که به تعبیر قرآن: «قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها» و توجه به این بیان رسول گرامی اسلام که وقتی با رزمندگان پیروز میادین نبرد به منازل خود باز می‌گشتند فرمود: مرحبا به قومی که در جهاد اصغر پیروز شدند و جهاد و مبارزه بزرگ‌تر بر آنها باقی است و آن را جهاد با نفس معرفی کردند که دشمن‌ترین دشمن انسان همان نفس اوست که

ضبط و قدرت حافظه

حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: «... والاحوط أن یکون ضابطا غیر غالب علیه النسیان بل لو کان نسیانه بحیث سلب منه الاطمینان فالأقوی عدم قضاؤه.» صاحب جواهر فرموده است: «فلو غلب علیه النسیان لم یجز نضبه.» علامه نیز فرموده است: «و لو غلب علیه النسیان أو ساوی ذکره لم یجز تولیته.» بدیهی است انسانی که قدرت حافظه خود را از دست داده باشد، از حالت انسان متعارف و عادی خارج شده است و در بحث تصدی قضا که از اهم امور است، اکتفا به قدر میقتن، موافق احتیاط خواهد بود و هرگاه در اهلیت و شایستگی فردی برای قضاوت، تردیدی حاصل شود، اصل عدم جواز است، چنانکه برخی از فقها نیز با استدلال به انصراف نصوص به انسان متعارف، قائل به منع قضاوت غیرضابط شده‌اند.

بینایی

شرط دیگر قاضی، قدرت بینایی است؛ چنان که حضرت امام خمینی (ره) فرموده است: «... والأحوط اعتبار البصر و ان کان عدمه لایخلو من وجه» شیخ طوسی (ره) نیز می‌فرماید: «... أما کمال الخلقه فان یکون بصیرا فان کان أعمی لم ینعقد له القضاء» محقق نیز فرموده است: «و فی انعقاد قضاء الاعمی تردد أظهره أنه لایتعقد...»

و قیافه او موجب شود که مدعی یا منکر از گفتن مسائل مورد دعوا خوف پیدا کنند. مکروه است برای قاضی که در مجلس حکم قیافه‌ای بگیرد که موجب ترس خصوم شود و نتواند دعوی خود را مطرح کنند از آداب شایسته که هیبت و ابهت قاضی را افزون می‌کند زهد، تواضع و خشوع است.

۶- تخلق به اخلاق نیکو

اهمیت رعایت مسائل اخلاقی از موضوعاتی است که توجه شرع مطهر نسبت به آن بر کسی پوشیده نیست به گونه‌ای که رسول گرامی اسلام فلسفه اصلی بعثت را تکمیل مکارم اخلاقی بیان کرده‌اند: «انما بعثت لاتمم مارك الاخلاق» و خدای متعال نیز آن حضرت را به داشتن اخلاق نیکو ستوده است: «انک لعلی خلق عظیم» و آن حضرت الگوی بسیار خوبی برای همه مسلمانان به ویژه برای قضات که بر مسند آن حضرت تکیه زده‌اند، می‌باشد. به همین جهت یکی از صفات برجسته قاضی، داشتن اخلاق نیکو است و فقها در این خصوص بسط کلام داده‌اند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: قاضی باید از نظر اخلاق در نهایت خوبی باشد. مستحب است قاضی تعادل خود را حفظ نماید نه بد اخلاق که خصوم نتوانند کلام خود را گویند و نه آ «قدر نرم که خصوم در او طمع کنند. سزاوار است قاضی قوی باشد و در عین حال خوش خلق و نرم و دریا حلم بوده و در کار خویش یعنی قضاوت زیرک و بصیر باشد. مستحب است قاضی هنگام قضاوت به اهل مجلس و در غیر آن به مردم سلام کند. خوب است قاضی قوی باشد بدون بد خلقی و خوش خلق باشد بدون ضعف و حلیم باشد و انسان حلیم بدون جهت غصب نمی‌کند و متین باشد. یعنی در کار قضا عجله نکند چون عجله منجر به اشتباه می‌شود و خوب است قاضی زیرک باشد تا خصمین نتوانند او را فریب دهند. اگر قاضی را به جور و ظلم نسبت داد اول با رفق و مدارا او را نهی می‌کند اگر تکرار نمود با فریاد او را نهی

می‌کند و اگر باز هم تکرار کرده تعزیر می‌کند. قاضی نباید ملول و خسته باشد و نباید خود را ناراحت نماید. مکروه است که قاضی در برابر خصم گرفته باشد (خود را عبوس نشان دهد). مستحب است که قاضی جبار و متکبر و عوف نباشد و نیز قاضی نباید ضعیف و بدون هیبت باشد که مورد سوءاستفاده خصوم قرار گیرد. قاضی نباید ماره باشد و زیرگوشی با کسی سخن گوید و باید دارای صفت انصاف باشد.

قاضی باید در طول قضاوت از صبر و شکیبایی در برابر مشکلات کمک بگیرد قاضی باید از سرزنش دیگران بپرهیزد زیرا باعث سبکی او خواهد شد و شخصیت او را پایمال می‌نماید. قاضی نباید با کسانی که با او شباهتی ندارند رفت و آمد داشته باشند. شایسته است قاضی در شنیدن سخن خصمین سکوت کرده و رعایت اعتدال را بنماید.

۷- مردمی بودن

مستحب است قاضی وقتی به شهر و مکان قضاوت خود می‌رود از مردم آن شهر و حال آنها سوال کند و مردم را از ورود خود به شهر خبر دهد و روز معینی را برای ورود اعلام کند و حدود اختیارات خود را به اطلاع مردم برساند و در مکانی قرار گیرد که مردم به او دسترسی داشته باشند.

مستحب است که قاضی به همکاران و اعوان خود بگوید تا با مردم و خصوم با رفق و مدارا رفتار نمایند و طمعی نسبت به آنها نداشته باشند و قاضی کوشش کند تا همکارانش از شیوخ و بزرگان اهل دین و عفت و صیانت باشند. مستحب است که تمام ارباب رجوع به سهولت به قاضی دسترسی داشته باشند. لزوم اطلاع ورود قاضی به مردم برای آن است که مخالفان و یا موافقین و میزان اقبال مردمی معلوم شود. پس اگر همه مردم یا اکثریت موافق بودند وارد گردد و در صورت مخالفت تمام یا اکثر مردم، توقف کرده و از امان نظر خواهی کند و پس از شروع به کار، چنانچه با مخالفت جمعی

روبه‌رو شود لازم است امام به هر گونه که امکان داشته باشد مخالفین را (که بدون دلیل

و وجه شرعی با قاضی مخالفت می‌نمایند)

سرچایشان بنشانند تا به فرمان قاضی گردن نهند (و بدین وسیله پشتیبانی خود را از قاضی اعلام و اثبات نمایند) توجه به این نکته لازم است که قاضی در عین مردمی بودن نباید با کسانی که با و شباهتی ندارند رفت و آمد داشته باشد.

مناسب است در رابطه با این صفت قاضی به بیان رهبر معظم انقلاب، ولی امر مسلمین، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای توجه نماییم که می‌فرماید: «شما برادران عزیزی که در بخش‌های گوناگون دولتی و قوه قضائیه مشغول کار هستید یکی از اولین تعلیماتتان به زیر دستان و چیزی که از آن مواخذ می‌کنید، باید رفتار خوش با مردم باشد. حقیقتاً مردم صاحب قضیه‌اند، حقیقتاً مردم ولی نعمت ما کارگزاران این نظام هستند. این تعارف نیست. بعضی خیال می‌کنند امام که این حرف‌ها را می‌زند، تعارف می‌کردند! اگر این مردم، با جان و تن و فرزند خودشان به این جبهه‌ها نمی‌رفتند و دفاع نمی‌کردند، چه چیزی از این نظام باقی بود؟ اگر این مردم با همه وجود و به انحاء طرق، ... حمایت و پشتیبانی خودشان را از ماها نشان نمی‌دادند چه چیزی مایه قدرت و عزت ما در دنیا بود.

حرف من این است که باید ترتیبی داده بشود و مکانیسمی به وجود بیاید که کارگزاران حکومتی، خودشان را به معنای حقیقی کلمه، خدام و خدمتگزاران مردم بدانند، بروند کار کنند و همان قدری که برایشان مقرر و معین شده است زحمت بکشند و وظیفه خود را انجام بدهند، کوتاهی نباید باشد.

* بر گذشته از: مجموعه آثار بهبود اخلاق و رفتار قضایی

معاونت آموزش قوه قضائیه

آموزه ها

گستره تقوا

مقصود امام در این دعا، (بار الها! تقوا را با افاضه معنوی و اشراق روحانی خود به دلم الهام فرما!) تقوای وسیع و دامنه‌داری است که جمیع شؤون مادی و معنوی را در برگیرد و تمام افکار و اعمال ما بر وفق رضا و خشنودی ذات اقدس الهی باشد. تقوا در شرع مقدس، عبارت از ملکه‌ای است که بر اثر مجاهدت و کوشش در نفس متقی پدید می‌آید و او را اودار می‌کند که او امر الهی را اطاعت نموده، خویشتر را از عذاب‌های مخوف و سنگین مصون دارد.

تقوا دارای درجات و مراتبی است، همان طور که ایمان نیز مراتب و درجاتی دارد. عالی‌ترین مراتب تقوا برای کسانی است که مصداق واقعی این آیه شریفه هستند: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حقّ تقاته» (ای مردم با ایمان! بکوشید تا به حق تقوا یعنی به تقوایی کامل دست یابید). امام صادق علیه‌السلام حق تقوا را چنین بیان فرموده‌اند: «اوامر الهی همواره اطاعت شود و هرگز از دستورش تخلف صورت نگیرد. دل متقی پیوسته در یاد او باشد و هرگز او را فراموش نکند. متمتع به نعمت‌های او شکرگزار عطاایش باشد و هیچ نعمتی را کفران ننماید.»

انجام بهترین کارها و جلب خشنودی خداوند

و وقفی لثی هی از کی، و استعمالی بما هو ارضی بارها! مرا توفیق ده به چیزی که هر چه بیشتر موجب تطهیر معنوی و نمو روحانیم باشد؛ نیروی مرا در راهی به کارگیر که مایه خشنودی و رضای بیشتر ذات اقدس گردد!

در خواست توفیق تزکیه

اصل زکات در لغت به معنای طهارت، نمو، برکت و مدح است. مهم‌ترین مأموریت فرستادگان الهی

آن بود که نفوس مردم را از پلیدی شرک تزکیه و تطهیر نمایند و اندیشه‌های باطلی را که درباره بت و بت‌پرستی داشتند، از صفحات خاطرشان بزدایند و آنان را به راه یکتاپرستی سوق دهند. اولیای بزرگ اسلام برای تزکیه نفس و نیل به کمال معنوی همواره متوجه خداوند بوده، در این باره از ذات اقدس الهی استمداد می‌نمودند.

جلب خشنودی بیشتر خداوند

آن طور که از منابع دینی استفاده می‌شود، کارهای خوب از نظر ارزش معنوی با هم یکسان نیستند، بنابراین اگر انسان با ایمانی در یک زمان با انجام دو عمل مواجه شود که یکی خوب و آن دیگر خوب‌تر است، شایسته است عمل خوب‌تر را برگزیند، چه آن که ارزش معنوی‌اش فزون‌تر است و خداوند از انجام آن بیشتر خشنود می‌گردد. رسول اکرم (ص) از منزل خارج شد. دید در مسجد دو مجلس تشکیل است، گروهی از فقه‌دین سخن می‌گویند و گروه دیگر با هم دعای می‌کنند. حضرت فرمود: هر دو مجلس در راه خیر است، اما مجلس علم برتر از مجلس دعاست و من به تعلیم مبعوث شده‌ام. سپس رسول اکرم (ص) آمد و با گروهی که بحث علمی می‌نمودند، نشست.

پیمودن راه برتر

اللهم اسئلك بی الطریقه المثلی

بارها! مرا به مسیری برتر و بالاتر از هر طریقی سوق ده!

در جست‌وجوی طریقه برتر

مراد از راه برتر، راه حقی است که ما را به خداوند می‌رساند و آن راه هدایت باری تعالی است که به معرفی پیامبران او شناخته می‌شود و از راه‌های باطل ممتاز می‌گردد.

حضرت زین العابدین علیه‌السلام، راه برتر را از خداوند درخواست می‌کند. خداوندی که به تمام

حوایح آگاه است و همه دقایق سعادت بشر را می‌داند و اگر حضرت باری تعالی مدد فرماید و آدمی را به راه برتر سوق دهد، قطعاً هر فردی با پیمودن آن راه به کمال لایق انسانی خود دست می‌یابد، اما اگر بشر ناآگاه بخواهد راه برتر را که حاوی تمام مراتب سعادت و مدارج کمال باشد، تعیین نماید، قطعاً به خطا می‌رود.

هم امروز و هم گذشته، بسیاری از مدعیان، راه و روش نادرست خود را طریقه صحیح می‌دانستند. نمونه آن، مطلبی است که قرآن شریف می‌فرماید: وقتی حضرت موسی و هارون از طرف خداوند مأموریت یافتند که مردم مصر را از اسارت فرعون مستبد و مدعی ربوبیت نجات دهند و موسی عصای خود را افکند و به امر الهی به صورت اژدها درآمد، پیروان فرعون به زبان آمدند: «قالوا إن هذان لساحران یریدان أن یرجاکم من أرضکم بسحرهما و یذہبا بطریقکم المثلی» (گفتند: این دو نفر دو ساحرنند، می‌خواهند با سحر خودشان شما را از سرزمینتان بیرون برند و طریقه مثلی و راه برترتان را که فرعون پرستی است، از میان ببرند)

راه برتر، صراط مستقیم خداوند است. همان راهی که فرستاده او حضرت محمد بن عبدالله - صلی‌الله علیه و آله - از طرف باری تعالی به مردم ارائه نموده و فرموده است: «وأن هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلہ» و این است راه مستقیم من، از آن پیروی کنید و به راه‌های مختلف گرایش نیابید که موجب تفرق و پراکندگی شما از راه مستقیم خداوند می‌شود.

تمنای مرگ و حیات در دین حق

واجعلنی علی ملتک اموت و احبب.

بارها! مرا در دین خودت آنچنان ثابت قدم قرار

ده که در آن بمیرم و در آن زنده شوم. چرایی تقدم مرگ بر حیات در کلام امام: مقصود از موت و حیات که در کلام امام(ع) آمده مرگ و زندگی در دار دنیاست و اگر سوال شود در دنیا، زندگی قبل از مرگ است، چرا امام در کلام خود موت را مقدم داشته؟ در پاسخ دو مطلب گفته شده است.

۱- اهمیت حسن عاقبت: مردان الهی در دنیا همواره به یاد مرگند و با توجه به مرگ، خویشتن را از کارهای ناپسند و اعمال ناروا مصون می‌دارند و همین امر، توجه شدید آنان را به مرگ، جلب کرده و موجب شده است که موت را قبل از حیات ذکر نمایند.

۲- به طوری که در بعضی از آیات و روایات آمده است با ایمان مردن و به سلامت از دنیای گذران به سرای غیبت منتقل شدن در نظر اولیای بزرگ الهی بسیار مهم است و آن را معیار سعادت انسان‌ها می‌دانند. امام علی(ع) فرموده: حقیقت سعادت این است که پایان اعمال آدمی به خوبی و سعادت خاتمه یابد، و حقیقت شقاوت این است که پایان کارهای انسان به بدی و شقاوت منتهی گردد.

۲- مرگ مقدمه حیات: شاید بتوان با توجه به ه روایت زیر تفسیر دیگری نیز از دعای حضرت ارائه داد. حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام

فرموده: وحشتبارترین مواقع برای مردم سه روز است: روز ولادت که از شکم مادر بیرون می‌آیند و دنیا را می‌بینند، روزی که می‌میرند و عالم بعد از مرگ و اهل آن را مشاهده می‌کنند گگه در دنیا ندیده‌اند و خداوند سلامت حضرت یحیی را در این سه روز اخبار کرده و حضرت مسیح در این سه مرحله برای خویشتن سلامت خواسته است. امام سجاد(ع) به فضل خداوند روز اول را به خوبی گذرانده و از مادر به سلامت متولد شده است. جمله دوم دعای امام(ع) ناظر به دو مرحله بعد است که به پیشگاه الهی عرض می‌کند. پروردگارا! مرا مشمول رحمت خود بنما و به گونه‌ای قرارم ده که با دین تو بمیرم و با دین تو در قیامت زنده شوم.

۶۱- میانه‌روی

اللهم صل علی محمد و آل محمد و متعنی بالاقتصاد

بارالها! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از مزایای اعتدال و میانه‌روی در جمیع شوون زندگی بهره‌مند فرما. معنای اقتصاد: اقتصاد به معنای میانه‌روی و اعتدال است. کسانی که می‌خواهند به سعادت برسند، بایند در شوون مختلف زندگی، راه اعتدال را انتخاب کنند. کلمه اقتصاد در روایات ائمه(ع)

گاهی در مورد مسائل مالی و گاهی نیز در مورد عبادت به کار رفته است.

از وصایای امیرالمومنین علی(ع) به فرزندش حضرت مجتبی این بود که: فرزندم! در امر معیشت، مقتصد و میانه‌رو باش و در عبادت نیز میانه‌رو و بر تو باد در امر عبادت به اندازه‌ای عمل کنی که همیشه توان انجام آن را داشته باشی.

میانه‌روی در امور مالی: اقتصاد و میانه‌روی در امور مالی و اجتناب از افراط و تفریط از جمله تعالیم شرع مقدس و مورد تاکید اولای گرامی اسلام است.

امام علی(ع) فرموده است: وقتی خداوند درباره بنده‌ای اراده خیر نماید، اقتصاد و حسن تدبیر معاش را به وی الهام می‌کند و او را از سوء تدبیر و زیاده‌روی و اسراف برکنار می‌دارد. امیرالمومنین(ع) در خطبه همام در وصف متقین نیز فرموده است: جامه‌ای را که می‌پوشند، موافق اقتصاد و در حد میانه‌روی است.

نه لباس می‌پوشند که آنان را به گروه مترف و ثروتمندان گناهکار ملحق کند؛ نه لباسی در برمی‌کنند که مردم آنان را تحقیر کنند.

* بر گرفته از کتاب: الگوهای رفتاری امام علی(ع) به تألیف: محمد دشتی



اگر شما قاضی این پرونده بودید، چگونه رأی می دادید؟

پرسش شماره ۸۶:

عده‌ای در حدود یک صد نفر، طی شکایتی اعلام کرده‌اند که تحت تاثیر آگهی‌ها و اقدامات یک شرکت مضاربه‌ای قرار گرفته‌اند. این شرکت اعلام کرده بود که اشخاصی که در آن شرکت حداقل ده میلیون ریال سرمایه‌گذاری کرده باشند و مبادرت به تنظیم عقد مضاربه بنمایند، ماهیانه مبلغ یک میلیون ریال به آنها پرداخت خواهد شد.

در نتیجه شکات اعلام کرده‌اند که هر یک حداقل ده میلیون ریال سرمایه‌گذاری کرده‌اند و شرکت مذکور، چند ماه بعد از تنظیم قرارداد، مبالغ آنها را پرداخته است. هم‌اکنون مدت سه ماه است که مدیرعامل این شرکت مضاربه‌ای از پرداخت سهم مضاربه‌ای آنان امتناع ورزیده و در مقام مراجعه مکرر آنان، اظهار می‌نماید که به علت عدم واریز به موقع وجه معاملاتی که شرکت انجام داده است، فعلاً قادر به پرداخت ماهیانه یک میلیون ریال سهم سرمایه‌گذاران در شرکت نمی‌باشد. به دستور مقام قضایی مدیرعامل شرکت احضار و در رسیدگی‌های متداول توسط کارشناسان و ممیزان قسم خورده، معلوم شده است که آن شرکت وجوه دریافتی از اشخاص را در امر تجارت به کار نگرفته و اساساً فعالیت‌های تجاری نداشته و اشخاص را به امر واهی پرداخت سود حاصل از فعالیت تجاری امیدوار کرده است در نتیجه، مدیرعامل شرکت و رئیس هیأت مدیره آن توقیف می‌شوند اینک با توجه به صورت مسأله، اگر شما رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده باشید:

اتهام انتسابی به مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره شرکت را از مصادیق چه جرمی می‌دانید و آن را با کدام یک از قوانین و مقررات جزایی منطبق دانسته و مستحق چه مجازاتی می‌دانید؟

پاسخ شماره ۸۵:

در پاسخ به سؤال اول، دو حالت متصور است: یکی آن که شخص (ب) که خود را مأمور اداره راهنمایی و رانندگی معرفی کرده و بعداً معلوم شده در آن اداره سمتی نداشته و ندارد، آیا در سایر قسمت‌های نیروهای انتظامی اشتغال به کار دارد یا خیر؟ در صورتی که از پرسنل نیروی انتظامی بوده، اما در اداره راهنمایی و رانندگی سمتی نداشته باشد، چون در تعریف رشوه آمده «هر نظامی که برای انجام یا عدم انجام کاری که از وظایف خود یا همکاران وی باشد، وجهی یا مالی اخذ نماید، مرتبی محسوب می‌شود.» عمل شخص (ب) اخذ رشوه است و طبق بند «۲» ماده (۹۳) قانون مجازات اسلامی، مجازات می‌شود، اما چنانچه شخص (ب) نه تنها مأمور اداره راهنمایی و رانندگی نیست، بلکه از پرسنل نیروی انتظامی نیز نباشد، اعم از این که کارمند دولت باشد یا نباشد، موضوع کلاهبرداری است و طبق قسمت دوم ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷، مجازات می‌شود. اما در پاسخ به سؤال دوم باید گفت از آن جا که بزه ارتشاء یا کلاهبرداری واجد جنبه عمومی غالب بوده، غیرقابل گذشت می‌باشند، لذا گذشت شاکی نمی‌تواند به موقوفی تعقیب متهم منتهی شود بلکه جنبه خصوصی جرم که مجازات رد مال را در پی دارد، از مرتکب سلب می‌شود لکن سایر مجازات‌ها اعم از حبس، جزای نقدی و انفصال از خدمت نسبت به مشارالیه اعمال خواهد شد لکن به موجب بند یک ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی گذشت شاکی می‌تواند از جهات مخففه کیفر باشد که مقام قضایی مختار به اعمال تخفیف در مجازات‌های مرتکب در حدود مقررات قانونی خواهد بود.



با داوطلبان آزمون های

حقوقی - قضایی

دادگاه... خواهد بود.

- (۱) موقوفی تعقیب
- (۲) حکم برائت
- (۳) منع تعقیب
- (۴) ترک تعقیب

۴- چنانچه عمل ارتكابی فاقه خصیصه جزائی باشد دادگاه

چه تصمیمی باید اتخاذ نماید:

- (۱) متهم را تبرئه می کند.
 - (۲) قرار موقوفی تعقیب صادر می کند.
 - (۳) پرونده بایگانی می شود.
 - (۴) قرار عدم پیگرد صادر می شود.
- واژه «فاقه» در عبارت سوال دارای اشتباه نگارشی می باشد و شکل صحیح آن بدین گونه است «فاقد»

۵- در صورتی که عمل انتسابی به متهم جرم نباشد، چه رای صادر می شود.

- (۱) برائت یا منع تعقیب

۱- اگر دادگاه نقضی در تحقیقات مشاهده کند...

- (۱) خواستن رفع نقص از دادرسی به علت این که از آمار کسر شده موجه نیست.
- (۲) چون کیفرخواست از دادرسی صادر شده، فقط باید دادرسی نسبت به رفع نقص ادام کند.
- (۳) دادگاه از دادستان می خواهد که در دادگاه حاضر شده و نسبت به رفع نقص اقدام کند.

۴- دادگاه خود تکمیل می نماید و نیز می تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادرسی مربوط درخواست کند.

۲- چنانچه دادگاه پس از تحقیقات مقدماتی و بدون تشکیل جلسه رسیدگی احراز نماید که موضوع اعلام شده جرم نیست، مکلف به اصدار ... است.

- (۱) قرار منع تعقیب
- (۲) قرار موقوفی تعقیب
- (۳) قرار تعلیق تعقیب
- (۴) حکم برائت

۳- وقتی دلیلی علیه متهم به دست نیامده تصمیم



۲) فقط منع تعقیب

۳) قرار مقتضی

۴) حکم برائت

۶- درخواست ترک محاکمه در کدامیک از جرایم ذیل امکان پذیر است؟

۱) کلیه جرایم

۲) جرایم مستوجب مجازات تعزیری

۳) جرایمی که جنبه خصوصی دارد

۴) جرایمی که جنبه عمومی دارد.

۷- چنانچه دادگاه کیفری قرار ترک تعقیب را بنا به درخواست مدعی صادر نماید:

۱) اعتبار امر مختومه را دارد. شاکی نمی تواند مجددا شکایت خود را مطرح کند.

۲) صدور قرار مانع از طرح شکایت مجدد نمی باشد.

۳) شاکی بدون تجدیدنظر خواهی از قرار مذکور نمی تواند شکایت خود را مجددا مطرح کند.

۴) با صدور قرار مذکور شاکی می تواند پس از جلب موافقت دادستان شکایت خود را مجددا مطرح کند.

۸ - کدامیک از قرارهای ذیل مانع از طرح شکایت مجدد نمی باشد؟

۱) تعلیق تعقیب

۲) موقوفی تعقیب

۳) ترک تعقیب

۴) هیچکدام

۹- فاصله بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار در محاکمات کیفری:

۱) حداقل پنج روز است.

۲) حداقل یک هفته است.

۳) هیچ گاه نباید کمتر از سه روز باشد.

۴) سه روز است مگر اینکه موضوع فوریت داشته باشد.

۱۰- فاصله بین ابلاغ احضاریه متهم به دادگاه و موعد احضار در مواردی که موضوع فوریت نداشته حداقل:

۱) سه روز

۲) یک هفته

۳) بیست روز

۴) ده روز

۱۱- به موجب قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب، در غیر مواردی که فوریت ایجاب نماید حداقل فاصله زمانی بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار چند روز است؟

۱) سه روز

۲) پنج روز

۳) یک هفته

۴) ده روز

۱۲- فاصله زمانی لازم بین ابلاغ احضاریه و موعد حضور در محاکمات کیفری عبارتست از:

۱- پنج روز، مگر اینکه موضوع فوریت داشته باشد.

۲) سه روز، مگر اینکه موضوع فوریت داشته باشد.

۳) حداقل پنج روز

۴) حداقل سه روز

۱۳- فاصله بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار در اموری که فوریت ندارند حداقل چند روز است؟

۱) یک هفته

۲) چهار روز

۳) سه روز

۴) پنج روز

۱۴- در مواردی که فصل خصومت یا اثبات دعوا با قسم شرعی محقق می شود:

۱) هر یک از اصحاب دعوا می توانند از حق قسم خود استفاده کنند.

۲) شاکی می تواند از حق قسم خود استفاده کند.

۳) متهم می تواند از حق قسم خود استفاده کند.

۴) هر یک از اصحاب دعوا می توانند پس از موافقت دادگاه از حق قسم خود استفاده کنند.

۱۵- دادرسی غیابی در کدامیک از جرایم زیر ممنوع است.

۱) جرایم امنیتی

۲) تعزیرات حکومتی

۳) حدود

۴) جرم مستلزم قصاص

۱۶- محاکمه غیابی متهم در اتهام به کدام جرم جایز نیست؟

۱) جعل

۲) خیانت در امانت

۳) شرب خمر

۴) قذف

۱۷- در کدامیک از جرایم زیر دادگاه نمی تواند حکم غیابی صادر نماید؟

۱) زنا

۲) جعل

۳) مواد مخدر

۴) قذف

۱۸- از جمله جرایمی است که دادگاه نمی تواند علیه متهم حکم غیابی صادر کند.



۱) اهانت به ماور

۲) خیانت در امانت

۳) شرب خمر

۴) تصرف عدوانی

۱۹ - دادرسی غیابی در کدامیک از جرایم زیر ممنوع است؟

۱) جرایم امنیتی

۲) جرایم مستلزم قصاص

۳) حدود

۴) هیچ کدام

۲۰ - پرونده رسیدگی غیابی به اتهام متهمان به جرایم

دارای جنبه حق الهی:

۱) همواره باید مفتوح باشد.

۲) در صورت ظن به عدم دستیابی به متهمان، مختومه می شود.

۳) در صورت ظن قوی بر وقوع جرم تا دستیابی به متهمان باید مفتوح باشد.

۴) پس از احضار به وسیله انتشار آگهی و وجود دلایل کافی، قابل

رسیدگی است.

پاسخ

۱_ پاسخ ۴ صحیح است. ت ۱ و ۱۴ ق.ت.د.ع.ا.

۹_ پاسخ ۴ صحیح است. ت ۲ م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۲_ پاسخ ۱ صحیح است. شق «الف» م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک، نظریه

۱۰_ پاسخ ۱ صحیح است. ت ۲ م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۷/۸۴۲۵-۱۳۸۳/۱۱/۷.ج.ق.ق

۱۱_ پاسخ ۱ صحیح است. ت ۲ م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۳_ پاسخ ۳ صحیح است. شق «الف» م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک. نظریه

۱۲_ پاسخ ۲ صحیح است. ت ۲ م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۷/۸۴۲۵-۱۳۸۳/۱۱/۷.ج.ق.ق

۱۳_ پاسخ ۳ صحیح است. ت ۲ م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۴_ پاسخ ۴ صحیح است. شق «الف» م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک. نظریه

۱۴_ پاسخ ۱ صحیح است. ت ۲ م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۷/۸۴۲۵-۱۳۸۳/۱۱/۷.ج.ق.ق

۱۵_ پاسخ ۳ صحیح است. م ۱۸۰ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۵_ پاسخ ۲ صحیح است. شق الف م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک. نظریه ۷/۱۱۰۸۱-

۱۶_ پاسخ ۳ صحیح است. م ۱۸۰ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۱۳۸۱/۱۲/۶.ح.ق.ق

۱۷_ پاسخ ۱ صحیح است. م ۱۸۰ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۶_ پاسخ ۳ صحیح است. شق «ب» م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۱۸_ پاسخ ۳ صحیح است. م ۱۸۰ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۷_ پاسخ ۲ صحیح است. ت ۱ و م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۱۹_ پاسخ ۳ صحیح است. م ۱۸۰ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۸_ پاسخ ۳ صحیح است. ت ۱ و م ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۲۰_ پاسخ ۳ صحیح است. م ۱۸۰ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

اصلاحیه:

بدین وسیله به اطلاع خوانندگان محترم می‌رساند در شماره ۸۵ دادرسی مقاله‌ای تحت عنوان "نقدی بر یک دادنامه در خصوص انتقال املاک با سند عادی" که مؤلف آن آقای علی صابری بوده، در فهرست به اشتباه، آقای سروش مالکی زاده درج گردیده است که ضمن پوزش، اصلاح می‌گردد.

جدول

افقی:

- ۱_ از جهات جرح در کنوانسیون‌های بین‌المللی داوری
- ۲_ یکی از کارهای اجرائیات در مورد واحدهای صنفی متخلف _ ناقل حدیث در اصول فقه
- ۳_ حرف فاصله انداز _ بلی روس‌ها _ گام بعدی پس از تأیید حکم دادگاه _ خوب نباشد
- ۴_ از موجبات فسخ نکاح برای زن _ سازمان مخوف و جاسوسی رژیم صهیونیستی _ در علم حقوق به معنی قانون هم آمده است
- ۵_ شاعر دشتستانی _ جوهره و عرضه _ همراه برج است
- ۶_ پیروی کردن _ دبیر و منشی
- ۷_ یکی از جهات خسارت قانونی برای وارد ثالث
- ۸_ ادامه دهنده _ غائب مفقودالاثر در حکم قرضی آن است
- ۹_ معنی می‌دهد _ تن و اندام _ هوشیار و بینا و یکی از صفات قاضی خوب است
- ۱۰_ قفسه لباس _ انجام آن در مورد آثار ملی بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی خلاف قانون است _ یکه
- ۱۱_ از تعداد داوران در عقد داوری می‌تواند این عده باشد _ یکی از مختصات جرم مشهود _ در اصول فقه مفهومی است که دارای اجزا باشد _ صدای مگس
- ۱۲_ مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات در قانون مدنی _ یکی از دو طرف عقد رهن
- ۱۳_ دادگاهی که صلاحیتش مربوط به مواردی مثل نکاح، طلاق و... است

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

جدول شماره ۳۷

عمودی:

- ۱_ یکی از راه‌های برکناری داور _ کنوانسیون در داوری که در سال ۱۹۵۶ انجام شد
- ۲_ یکی از قرارها که نتیجه‌اش توقف رسیدگی است _ از وارثان نسبی طبقه سوم
- ۳_ از اعضای صورت _ معنی لغوی معسر _ از مجازات مصرح در قانون
- ۴_ حوزه مأموریت یک مأمور دولت _ رهبری _ یکی از وقایع ثبتی
- ۵_ کبوتر صحرایی _ سریع _ کافه فرنگی
- ۶_ پزشکی _ مخفف وجب _ برخی اعتقاد دارند که دیه این خاصیت را دارد
- ۷_ سندی که موضوع ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی از آن صحبت شده است
- ۸_ به معنی دیوان تمیز است _ علامت استمراری _ علامت مفعولی
- ۹_ واحد مساحت انگلیسی _ پشیمانی _ از پارامترهای قرارداد تجارت الکترونیکی
- ۱۰_ شفابخش به امر خدا _ حصیر _ همراه لعب
- ۱۱_ از حروف ندا _ از شرایط حضانت برای والدین _ بوی ماندگی
- ۱۲_ از مهمترین وظایف قاضی در یک پرونده _ پیمان اقتصادی مهم برای کشورمان
- ۱۳_ این مورد هیچ اثری بر دعوای ورود ثالث اصلی و سایر دعاوی، کاری ندارد _ مالی در مالکیت همیشگی زن

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ه	و	ی	ا	ن	و	ی	*	ث	ا	ن	و	و
ر	*	ه	ت	ا	ک	ی	*	ر	ی	ا	*	ر
ف	ا	م	*	ل	ه	ب	*	ق	س	م	*	ف
ع	ر	ا	*	د	ا	و	ر	ر	ی	*	س	ع
ل	و	س	ع	*	ر	ز	ن	*	ع	ق	ی	ل
خ	ا	ت	م	ه	*	ن	*	م	ن	ط	ق	ی
ل	*	م	ا	و	ا	*	خ	ر	و	ج	*	ا
س	ی	ا	ر	ر	س	*	ر	*	د	ا	ن	س
ف	ی	ا	ت	*	ف	ش	م	*	ن	ی	ج	ر
ه	د	ر	*	ا	خ	ا	ف	ه	*	ن	و	ک
ا	ه	*	ز	ج	ر	*	ا	م	ا	*	د	د
و	*	س	ن	ی	*	م	س	ا	ل	ح	*	ع
ل	ا	ت	ا	ر	ی	*	ا	ن	ت	ق	ا	ل

پاسخ جدول شماره ۳۶

تنظیم کننده: اصغر فراهانی
کارشناس ارشد حقوق خصوصی

فرجام هوسرانی

بازخوانی یک پرونده جنایی



قهرمان مرادی - دادیار دادرسی نظامی تهران

مقارن ساعت ۲۳ یکی از شب‌های بسیار گرم تابستان، بهرام پس از بازنگری در حساب و کتاب‌هایش، با اتومبیل زانتیای خود راهی خانه‌اش شد و با کلید همراهش درب پارکینگ منزل مسکونی‌اش را گشود اما قبل از آنکه اتومبیل خود را در داخل آن جای دهد، به ضرب شلیک گلوله‌های فرد یا افرادی ناشناس و به طور رموزی به قتل رسید.

با صدای شلیک گلوله‌ها اهل محل از جمله خانواده بهرام از موضوع خبردار شده و در مقابل درب پارکینگ تجمع کردند. همسر و فرزندان مقتول با دیدن جسد خون آلود پدر خانواده به سر و صورت خود زده و ناله و فریاد به راه انداختند. یکی از همسایه‌ها موضوع جنایت را تلفنی به پاسگاه انتظامی محل اطلاع داده، مأموران پاسگاه انتظامی نیز ضمن حضور در محل وقوع جرم و پس از تأیید موضوع، مراتب را به بازپرس کشیک ویژه قتل دادرسی اعلام می‌نمایند.

دقایقی بعد بازپرس ویژه قتل به اتفاق مأموران کشف جرایم در محل جنایت حاضر شده، جسد و محل را معاینه می‌نمایند. خانه بهرام یک خانه بزرگ جنوبی و با مساحت تقریبی چهارصد متر

مربع در سه طبقه است. طبقه همکف علاوه بر پارکینگ خودرو، انبار و محل نگهداری اشیاء و لوازم لوکس خانگی است. در ورودی پارکینگ جسد خون آلود مردی به چشم می‌خورد که به صورت طاق باز بر روی زمین قرار گرفته است. جسد متعلق به مردی است حدوداً ۴۵ ساله، قوی جثه و تنومند با قد و بالای کشیده و کمی چاق. به جز محل ورود گلوله، جسد فاقد هرگونه آثار و علائم ضرب و جرح و یا شکستگی می‌باشد و هیچ گونه اثری از درگیری فیزیکی و به هم ریختگی در محل مشهود و ملموس نیست و از ظواهر امر پیداست که یکی از گلوله‌ها درست به قلب بهرام اصابت کرده و او را فوراً و در دم کشته است. همسر بهرام می‌گوید شوهرم هر روز در همین ساعت درب فروشگاه لوازم خانگی خود را که تا منزل ده دقیقه‌ای بیشتر راه نیست بسته و به خانه برمی‌گشت. او کلید پارکینگ را داشت و پس از اینکه اتومبیلش را پارک می‌نمود بالا می‌آمد. اما امروز حدود ساعت یازده و ده دقیقه شب بود که صدای مهیب شلیک گلوله‌هایی از پارکینگ خانه را لرزاند. با شنیدن صدا هراسان به سمت پارکینگ دویده و با کمال تعجب با جسد خون آلود شوهرم مواجه گشتم، تا جایی که می‌دانم بهرام با کسی خصومت و دشمنی نداشت. مرگ او مرا متحیر کرده و در حال حاضر به کسی مظنون نیستم، ضمناً از اجناس موجود در پارکینگ هم چیزی کم نشده؛ یعنی به سرقت نرفته است. مقتول فروشنده لوازم خانگی بوده و به جهت نزدیکی فروشگاه به خانه‌اش از پارکینگ منزلش به عنوان انباری نیز استفاده می‌کرده است، اما انگیزه این قتل چه بوده؟ چرا باید فردی به نام بهرام را که کاسب و فروشنده لوازم خانگی بوده را به قتل برسانند؟ اگر انگیزه قتل سرقت لوازم موجود در انبار بوده چرا چیزی از آنها کم نشده است؟ شاید هم قاتل یا قاتلین فرصت سرقت را پیدا نکرده و متواری شده باشند. در هر حال پس از معاینه محل و جسد، بررسی صحنه جرم، تنظیم کروکی، عکسبرداری و آثاربرداری جنایی، جنازه بهرام جهت کالبد شکافی و تعیین علت قطعی مرگ به وسیله یک دستگاه آمبولانس به پزشکی قانونی منتقل می‌شود و اقدامات تعقیبی و تحقیقی وسیعی برای شناسایی و دستگیری قاتل و یا قاتلین آغاز می‌گردد. متأسفانه بررسی‌ها نشان

می‌دهد بهرام به هیچ وجه پای بند خانه و خانواده و مسائل اخلاقی نبوده و حداقل سالی دو مرتبه برای خوش گذرانی به کشور تایلند سفر می‌کرده است و بدتر از آن صدها عکس قبیح از مراسم لهو و لعب مجالست با زنان روسپی و هرزگی‌هایش در تایلند، سوغات سفرهای خارجی‌اش بوده که در دسترس همسر و فرزندان قرار داشت. عدم پایبندی بهرام به مسائل اخلاقی و اختلافات شدید خانوادگی او با همسرش محبوبه که تا مرز طلاق هم پیش رفته بود، نیز می‌توانست انگیزه‌ای برای قتل وی باشد. با گذشت روزها هر چقدر تحقیقات بیشتری بعمل می‌آمد، متأسفانه ضعف جنسی و فساد اخلاقی بهرام بیشتر روشن می‌شد. علاوه بر آن بهرام فردی به نام مجید را در فروشگاه به شاگردی گرفته بود که می‌گفتند خواهر بسیار زیبایی دارد و این بکارگیری نه به خاطر او بلکه به خاطر خواهر وی بوده که به نحوی با ایشان ارتباط برقرار نماید. پس از انجام تحقیقات وسیع و با تلاش و کوشش شبانه‌روزی باز پرس ویژه قتل و مأموران کشف جرایم، همسر مقتول حداقل به عنوان آمر قتل، کسی که دستور قتل را داده، افرادی را برای این کار اجیر کرده و یا به جهت تسهیل وقوع جرم یا تشویق و ترغیب قاتل و یا قاتلین، در مظان اتهام قرار می‌گیرد. زن مستاجر می‌گوید حدود یک ماه پیش موقع غروب لباس‌های شسته شده را خواستم ببرم پشت بام تا روی طناب پهن نمایم اما در پاگرد آخر، محبوبه خانم همسر آقا بهرام با دستپاچگی جلوی من آمد و گفت: کجا؟ گفتم می‌خواهم لباس‌های شسته شده را روی طناب پهن کنم. او گفت الان نمی‌شود؟ گفتم چرا نمی‌شود؟ گفت همان که گفتم. محبوبه خانم وقتی اصرار مرا دید گفت: شاگرد مغازه شوهرم آقا مجید آمده تا کولرمان را درست و راه‌اندازی کند. به ایشان گفتم من که با او کاری ندارم و... در هر حال محبوبه خانم از ورود من به پشت بام ممانعت بعمل آورد و با لباس‌های خیس برگشتم. به نظرم محبوبه خانم با آن آقا سروسری دارد و الّا لباس پهن کردن من کاری با آنها نداشت. ضمناً این زن و شوهر همیشه با هم جنگ و دعوا

داشتند و سر و صدایشان می‌آمد و محبوبه خانم را در غیاب شوهرش چندین بار با شاگرد مغازه شوهرش در بیرون و در داخل خودرو دیده‌ام. با شهادت زن مستاجر، دلایل کافی برای تفهیم اتهام و بازداشت محبوبه بدست می‌آید و ایشان پس از احضار در تحقیقات بازپرسی به سؤالات این چنین پاسخ می‌دهد:

○ **اختلافات با بهرام بر سر چه موضوعی بود؟**

○ من با بهرام هیچ اختلافی نداشتم.

○ **چطوری اختلافی نداشتید همسایه‌ها بارها صدای دعوای شما را شنیده‌اند؟**

○ از این بگو مگوها در هر خانه و خانواده‌ای هست.

○ **اما کار شما بیشتر از یک بگو مگوی عادی بوده است؛ چرا؟**

○ بله به خاطر عدم پایبندی بهرام به خانواده، عدم احساس مسئولیت و به خاطر اینکه طاقت جلف‌بازی و هرزگی‌هایش را نداشتم، چند بار تقاضای طلاق کردم اما با وساطت اقوام و به خاطر وجود بچه‌هایم کوتاه آمده، گذشت کرده و برگشتم.

○ **به نظر شما بهرام را چه کسی و چرا کشته است؟**

○ بهرام غرق در فساد و شهوت بود. به نظر من او را به خاطر فساد اخلاقی و مسائل ناموسی کشته‌اند.

○ **آیا از مرگ او ناراحتید؟**

○ علی‌رغم اینکه او شوهر خوبی برای من و پدر خوبی برای خانواده نبود، راضی به مرگش نبودم.

○ **شما چقدر به خانه و خانواده پایبندید؟**

○ خیلی زیاد. اگر پایبند نبودم تا به حال رفته بودم.

○ **در رابطه با آقا مجید شاگرد آقا بهرام چه نظری دارید؟**

○ نظر خاصی ندارم.

○ مگر به او مظنون هستید؟

○ **مدت آشنایی و میزان ارتباط خود با آقا مجید را بیان کنید؟**

○ او از یک سال و نیم پیش در نزد شوهرم کار می‌کند و هر از چند گاهی بهرام او را می‌فرستاد

تا ناهارشان را به مغازه ببرد و یا جنسی را از انبار به فروشگاه منتقل نماید.

○ **آیا با آقا مجید بیرون هم رفته‌اید؟**

○ هیچ وقت.

○ **حتی در غیاب شوهرت؟**

○ بله، حتی در غیاب شوهرم.

○ **اگر در غیاب شوهرت شما را بارها با هم دیده و شهادت داده باشند، چطور؟**

○ دروغ است، چنین چیزی امکان ندارد.

○ **مجید شاگرد مغازه‌تان در پشت بام خانه‌تان چه کاری داشت و چرا با حضور او به مستاجر خانه اجازه پهن کردن لباس نداده‌اید؟**

○ این حرفها به من نمی‌چسبد، دروغ است.

○ **با توجه به انکار محبوبه ما بین زن مستاجر و او مواجهه حضوری بعمل می‌آید، زن مستاجر به حضور مجید در پشت بام و راه ندادن او به آن جا برای پهن کردن لباس، همزمان با حضور مجید و اینکه چندین بار آنها را بیرون از منزل و به اتفاق هم دیده است، مجدداً شهادت داده و اصرار می‌ورزد و محبوبه حرفی برای گفتن نداشت. با توجه به شهادت زن مستاجر و اوضاع و احوال قضیه و اینکه در ادامه تحقیقات دروغ‌های دیگری نیز از محبوبه کشف می‌شود، پنهان کاری و عدم صداقت وی در گفتار محرز و مسلم می‌شود. با توجه به اهمیت جرم و به لحاظ بیم فرار یا تبانی، محبوبه به اتهام معاونت در قتل عمدی شوهرش بازداشت و جهت تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران کشف جرایم گذاشته می‌شود. محبوبه در ادامه تحقیقات پرده از اسرار زندگی‌اش برمی‌دارد و می‌گوید می‌دانم با دروغ‌هایی که به شماها گفته‌ام حرف‌های راستم را نیز باور نخواهید کرد و من روحم از چگونگی قتل شوهرم و قاتلین او خبر ندارد. درست است که من با بهرام مشکل داشتم، اما هیچ وقت راضی به مرگش هم نبودم، هر چند او در حق من شوهری و در حق بچه‌هایش پدری نکرده بود. سال‌ها کارهای کثیف بهرام را تحمل کرده و به خاطر بچه‌هایم خم به ابروی خود نیاوردم. بارها همسایه‌ها آمدند و گفتند شوهرت را به**

همراه خانمی در داخل اتومبیل دیده‌ایم اما هر وقت لب به اعتراض گشودم کتک خوردم و صدها انگ بارم شد. حتما عکس‌های بسیاری از هرزگی‌هایش را در تایلند، دیده‌اید. او از انجام هیچ کاری ابایی نداشت و علناً می‌گفت که برای خوشگذرانی به کشور مربوطه سفر می‌کنم. وقتی دیدم بهرام حرمت ما را نگه نمی‌دارد من هم مثل او شدم و از یک سال پیش با شاگرد مغازه‌اش ارتباط برقرار کردم. زن مستاجر هم راست می‌گفت. آن روزی که او لباس‌های شسته شده را آورده بود در پشت بام روی طناب پهن کند من با مجید شاگرد مغازه خلوت کرده بودم. از محبوبه سؤال می‌شود.

آیا این نوع اقدام و عملکرد کار صحیحی است؟ او می‌گوید صحیح یا ناصحیح کاری است که انجام شده!

فکر نمی‌کنی مجید در قتل شوهرت بهرام دست داشته باشد؟ چنین چیزی از او بر نمی‌آید. با برملا شدن روابط پنهانی مجید و محبوبه مأموران کشف جرایم پس از انجام یک سری تحقیقات غیر محسوس و اقدامات تعقیبی، عملیاتی را با هدف دستگیری مجید آغاز و پس از شناسایی محل سکونت وی و اطمینان از حضور ایشان در منزل با هماهنگی لازم، شبانه وارد خانه او شده، نامبرده را دستگیر و به محل کشف جرایم هدایت می‌نمایند. مجید قبل از هرگونه تحقیقی با کف دستش به سر خود زده و می‌گوید بدبخت شدم.

○ چرا بدبخت شدی؟

○ می‌دانستم این گونه کارها آخر و عاقبت خوبی ندارد. به محبوبه هم گفته بودم.

○ منظور تان چه کارهایی است؟

○ همین کاری که محبوبه از من خواسته بود.
○ چه کاری را از شما خواسته بود؟
○ حتما خودش به شما گفته که شبانه به سراغ من آمده‌اید و اما تعجب از این است که خودش چه زود زیر قولش زده است.

می‌خواهیم اصل قضیه را از زبان شما هم بشنویم توضیح دهید؟

مجید می‌گوید: از یک سال و نیم پیش در

فروشگاه آقا بهرام کار می‌کنم. تنها عیب بزرگ او این بود که به جای اینکه به فکر کار خود، خانواده و آینده فرزندانش باشد، بیشتر به دنبال زنان خیابانی بود.

از یک سال پیش همسرش محبوبه با من شروع کرد به درد دل و از کارهای شوهرش کله‌مند بود، کار تا به جایی پیش رفت که نسبت به هم ابراز علاقه کردیم. او می‌گفت حالا که شوهرم در پی زنان خیابانی است، من هم می‌خواهم مثل او بشوم و ثابت کنم سزای خیانت چیزی جز خیانت نیست. بعد از آن بود که من و محبوبه مرتکب گناهان بزرگی شدیم. این‌واخر آقا بهرام به ما ظنین شده بود، اما محبوبه نیز به این چیزها توجه نداشت. قتل بهرام خواسته محبوبه بود و می‌گفت او مستحق مرگ است. اصرار محبوبه و وسوسه تصاحب اموال بهرام مرا وادار کرد که به خواسته او تن بدهم و با اجیر کردن دو نفر او را به قتل برسانیم. البته من و محبوبه در انجام قتل نقشی نداشتیم.

ولی دستور قتل، ارائه طریق، اجیر کردن آن دو نفر، تشویق و ترغیب آنان به انجام قتل و پرداخت مبالغی در این رابطه کار ما بود. قرار بود آن دو نفر بهرام را بی‌سر و صدا سر به نیست کنند و اتومبیلش را با خودشان ببرند. اما به چه دلیل موفق به بردن خودروی بهرام نشده‌اند خبر ندارم و بعد از قتل هم تماسی با من نداشته‌اند. مجید ادامه می‌دهد حرفی برای گفتن ندارم، تمام این فتنه‌ها را محبوبه به پا کرده، مرا وسوسه کرد. حاضر به هرگونه همکاری برای شناسایی و دستگیری آن دو نفر و مواجهه حضوری با محبوبه هستیم.

با اقرار مجید محرز و مسلم می‌شود که محبوبه بخش اعظمی از واقعیت‌ها را نگفته است. قبل از مواجهه حضوری بین محبوبه و مجید، محبوبه وقتی که متوجه می‌شود مجید همه چیز را گفته است، ضمن عذرخواهی و با سرازیر شدن اشک چشمانش، به چگونگی قتل بهرام و نقش خودش در این ماجرا اعتراف می‌کند. با همکاری مجید آن دو نفر که برای قتل بهرام اجیر شده بودند، شناسایی و دستگیری می‌شوند. آنها نیز به اعمال

ارتكابی خود صریحاً اعتراف می‌نمایند. اینک برای هر چهار نفر قرار بازداشت موقت صادر و تحویل زندان می‌شوند تا در آینده نزدیکی محاکمه و به سزای عمل ننگین خود برسند.

اما چند کلام با نقش آفرینان این پرونده جنایی:

باید به بهرام و بهرام‌ها گفت آیا به تو و افرادی مثل تو هم می‌توان پدر یا همسر گفت و یا اینکه از پدر بودن یا همسر بودن فقط نامش را بدک می‌کشید. باید از بهرام پرسید چرا هرزگی‌هایت در کشور تایلند را به تصویر کشیده، آنها را در دسترس خانواده‌ات قرار دادی تا زمینه‌ساز انحراف همسرت شده و گورت را نیز با دست خود کندی؟ باید به بهرام گفت چرا اصول و عقاید رازبر پا گذاشته و به حق و حقوق خود قانع نشدی و... تو با نظر داشتن به خواهر شاگردت مجید در فکر آن بودی که درب چوبی خانه آنها را بزنی اما غافل از اینکه او درب آهنی خانه شما را که صدایش به مراتب بیشتر از درب چوبی بود به صدا درآورد و دیدی که چگونه آتش فساد و تباهی تا عمق وجودت را سوزاند و خاکستر کرد. باید به محبوبه و محبوبه‌ها گفت سزای خیانت، خیانت نیست. اگر بهرام هوس باز و فردی فاسد بود، بهترین و عاقلانه‌ترین تصمیم، جدایی از او بود؛ عفت و عصمت خود را لکه‌دار کردن و دامن خود را آلوده کردن چاره کار نبود؛ خطا و گناه کار تو اگر بیشتر از بهرام نباشد، مطمئناً کمتر از کار او هم نبوده است و نیست! باید از مجید و آن دو نفر اجیر شده نیز پرسید چرا تابع هوا و هوس شده و وسوسه تصاحب مال و اموال بهرام و همسرش فریبتان داد؟ چرا به عاقبت کار و تالی فاسد قضیه توجه نکردید و خود را فروختید! و...

بله عزیزان! بی‌تردید تمامی پدران و مادران از بخت برگشته‌هایی چون بهرام و محبوبه که نام پدر و مادر روی خود نهاده‌اند، منزجر و متنفرند. پس بیایید بیشتر از پیش قدر پدران و مادران پاکدامن، عفیف، با حیا، دلسوز و فداکار را بدانیم.

ان شاء الله

* هرگونه تشابه اسمی با افراد حقیقی و حقوقی صرفاً تصادفی و اتفاقی است.

راهنمای اشتراک ماهنامه دادرسی

لطفاً در صورت تمایل نسبت به اشتراک ماهنامه دادرسی، نکات ذیل را در نظر داشته باشید:

- ۱_ فرم اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و کدپستی را حتماً قید نمایید.
- ۲_ وجه اشتراک را به حساب سیبا به شماره ۲۱۷۱۲۶۹۰۰۳۰۳ نزد بانک ملی، شعبه سازمان قضایی، کد ۵۱۸ به نام مجله دادرسی واریز نموده و اصل رسید بانکی را همراه با فرم تکمیل شده، به نشانی: تهران، خیابان دکتر شریعتی، نرسیده به چهارراه شهید قدوسی (قصر)، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دفتر ماهنامه دادرسی ارسال دارید.
صندوق پستی: ۱۳۱۵ - ۱۶۷۶۵ تلفن: ۸۸۴۷۲۳۸۰ - ۸۲۹۰۲۵۷۷ نمابر: ۸۲۹۰۲۵۷۸
- ۳_ تصویر رسید بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره، نزد خود نگه دارید.
- ۴_ از فرستادن وجه نقد بابت اشتراک مجله خودداری فرمایید.
- ۵_ حق اشتراک برای $\frac{۶}{۱۲}$ شماره مجله دادرسی جهت تهران با پست عادی $\frac{۵۶۰۰۰}{۱۱۲۰۰۰}$ ریال، با پست سفارشی $\frac{۸۰۰۰۰}{۱۶۰۰۰۰}$ ریال و برای شهرستان‌ها با پست عادی $\frac{۵۸۰۰۰}{۱۱۵۰۰۰}$ ریال و با پست سفارشی $\frac{۸۲۵۰۰}{۱۶۵۰۰۰}$ ریال می‌باشد.
- ۶_ حق اشتراک با احتساب تخفیف پانزده درصد برای $\frac{۶}{۱۲}$ شماره مجله دادرسی برای تهران با پست عادی $\frac{۵۰۰۰۰}{۱۰۰۰۰۰}$ ریال، با پست سفارشی $\frac{۷۴۰۰۰}{۱۴۸۰۰۰}$ ریال و برای شهرستان‌ها با پست عادی $\frac{۵۲۰۰۰}{۱۰۳۰۰۰}$ ریال، با پست سفارشی $\frac{۷۷۰۰۰}{۱۵۴۰۰۰}$ ریال می‌باشد.
- ۷_ متقاضیان در صورت تمایل با واریز مبلغ ۱۲۰۰۰۰ ریال به حساب نشریه می‌توانند آرشیو الکترونیکی ماهنامه دادرسی شماره‌های ۱ الی ۸۲ را که قابلیت‌هایی همچون جستجوی موضوعی و تهیه پرینت مطالب و امکانات ویژه دیگر دارد را از دفتر این ماهنامه تهیه نمایند.
- ۸_ مجلات صحافی شده دادرسی با جلد گالینگور موجود می‌باشد.
- ۹_ تخفیف ویژه: دانشجویان رشته حقوق، کارکنان نیروهای مسلح، کادر قوه قضائیه و وکلای می‌توانند با ارسال تصویر کارت شناسایی خود، از پانزده درصد تخفیف ویژه بهره‌مند شوند.
- ۱۰_ لطفاً در صورت تغییر نشانی، مراتب را به امور مشترکین مجله اعلام نمایید.

سپاس گزاریم.

فرم اشتراک:

ماهنامه دادرسی (حقوقی، فرهنگی و اجتماعی)

میزان تحصیلات:

تاریخ تولد:

نام و نام خانوادگی:

مبلغ واریزی:

شغل:

نسخه، از شماره تا شماره
 $\frac{۶}{۱۲}$

نوع درخواست: اشتراک مجله
 نسخه الکترونیکی

نشانی کامل جهت ارسال نشریه:

تلفن:

صندوق پستی:

کد پستی:

پست الکترونیکی: